



## بازخوانی شکل گیری فرقه آقا خانیه

بدیدآورده (ها) : قرائتی، حامد  
تاریخ :: نامه تاریخ پژوهان :: پاییز 1386 - شماره 11  
از 102 تا 146  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/836060>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 07/11/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## بازخوانی شکلگیری فرقه آفاخانیه با تأکید بر نقش آفرینی مسائل سیاسی

\* حامد قرائتی

چکیده

ممکن است مهم‌ترین عوامل ایجاد انشعاب در مذهب و فرقه‌ای دینی، اختلافات فکری، دوری از آرمان‌های اولیه، تفاسیر متفاوت از نصوص دینی، اختلاف در جانشینی و جاهطلبی برخی رهبران داشته شود، ولی آن‌چه در این مجال به عنوان یکی از عوامل ایجاد انشعاب در فرقه‌های دینی، به خصوص در دوران معاصر تلقی شده، روابط معادلات سیاسی است که بر اساس آن، یا دولت مردان، تأسیس و حمایت از انشعابی را وسیله‌ای برای دست‌یابی به منافع و مقاصد سیاسی خود می‌دانند و یا برخی از رهبران مذهبی با استفاده از فرصت‌ها و تهدیداتی که در عرصه معادلات و روابط سیاسی بین دولت مردان داخلی و خارجی واقع می‌شود، در صدد تحصیل اقدار مذهبی یا سیاسی برای خود می‌باشند. در این تحقیق، سعی شده با بررسی و تحلیل عواملی چون جریان‌های حاکم در دربار قاجار، اوضاع داخلی ایران، روابط ایران و انگلستان و منافع و مقاصد انگلستان در هند و جهان اسلام، به چگونگی تشکیل و تکون فرقه آفاخانیه پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: حسنعلی شاه، آفاخان محلاتی، قاسم شاهیان ایران و فتحعلی شاه.

\* پژوهشگر مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم.

مقدمة

در فاصله انقراض سلسله صفویه تا روی کار آمدن شاهان قاجار، فرقه‌ای در جالی بازیابی و تجدید حیات بود که بعدها به نام «نزار یان آفاخانی»<sup>۱</sup> شهرت یافت. این دوره که از بارزترین ویژگی‌هایش، عدم اصرار سلاطین بر مذهب تشیع اثناعشری و آشفتگی در اوضاع سیاسی و حکومتی می‌باشد، زمینه مناسبی برای ظهور افکار و مکاتبی را فراهم نمود که شرایط سیاسی اجتماعی و مذهبی، آن‌ها را مجبور به انشوا و کناره‌گیری کرده بود. برای نمونه، امامان نزاری در آغاز دوره انجдан،<sup>۲</sup> مانند رهبران و پیشوایان بعضی از جوامع و نهضت‌های مذهبی دیگر، از تغییر اوضاع و احوال و جو دینی ایران که از مشخصات آن، تفرقه سیاسی، شیوع جانبداری از آملی و گرایش‌ها و تمایلات شیعی از طریق برخی از طریقت‌های صوفیانه بود، استفاده کردند.<sup>۳</sup>

فرقه اسماعيليه نزاری بعد از سقوط دژهای الموت به دست هلاکوخان در سال ۱۵۴۶ق و کشته شدن رکن الدین خورشاه،<sup>۴</sup> امام ایشان و بسیاری از پیروانش، وارد دوره‌ای شدند که قبل از نیز آن را تجربه کرده بودند. در این دوره، اسماعیلیان ریاست آشکار امامان خود را پایان یافته دانسته و امامت را از این به بعد در سترا و خفا می‌دیدند؛ به این صورت که امامت اسماعیلی از بین نرفته و امامان با حرکت در بلادی، چون آذربایجان و جنوب قفقاز با در پیش گرفتن رویه تدقیه، در گمنامی می‌زیستند.<sup>۵</sup> در این دوره، سیاست تقيه در مقام تنها راه بقا و استمرار حیات،

۱. «اسماعیلیه امروز به دو طایفه «آفاخانیه» و «بهره» تقسیم می‌شوند که بازماندگان دو فرقه نزاری و مستعلوی هستند ... آفاخانیه قریب به یک میلیون نفر در ایران و آسیا و افریقا و هند پراکنده‌اند» (محمد حادث شکر، فرنگ فرهنگ اسلام، ص ۵۳-۵۴).

۲. انجدان در مرکز ایران و در حوالی قم و محلات واقع است که بیش از دو قرن مقر امامان نزاري قاسم شاهی نیز بوده است. شاید اسلام شاه که از معاصران تیمور و خداوند محمد باشد نخستین امام سلسله قاسم شاهی بوده باشد که در انجدان اقامت گزیده است. مقبره مستنصر بالله دوم که در ۸۸۵ق وفات یافته، هنوز در انجدان باقی است.

<sup>۲۲۵</sup> فر هاد دفتری، مختصه‌ی در تاریخ اسماعیلیه، ص.

<sup>٤</sup> حامد الگار، شوشه، آقاخان محلات، و حند مقاله دیگر، ص. ١٤.

二三

به وسیله امام و پیروانش پی گرفته شد.<sup>۱</sup> این، رویکردی بود که به خصوص مذهب اسماعیلیه را در رویارویی با طوفان‌های خانمان برانداز، بارها از ورطه سقوط و انقراض رهانیده بود که از آثار این رویکرد، خالی ماندن صفحات تاریخ از گزارشاتی در باره ائمه و جوامع اسماعیلی نزاری در ایران در فاصله قرن هفتم تا دهم هجری است.

قدرت یافتن سلاطین صفوی و اصرار ایشان را بر تشیع اثناعشری، می‌توان عامل دیگری در کنارگیری نزاریان از صحنه‌های سیاسی - اجتماعی در ایران دانست، زیرا مذهب اسماعیلیه با وجود انشعابش از جریان اصلی تشیع، دچار دگرگونی‌هایی شده بود که دوره امامت در الموت را می‌توان دوره تطور و دگرگونی در اندیشه و حتی اصول مذهبی این فرقه دانست، به طوری که اعلام قیامت و ملغاً نمودن شریعت و بازگشت به فقه شافعی<sup>۲</sup> از بارزترین تحولات این دوره است؛ تحولاتی که هر چه بیشتر آن‌ها را از تشیع امامی دور می‌ساخت. گفتنی است که دوره تجدید حیات نزاریان قاسم‌شاهی در انجдан، این بیگانگی را دو چندان می‌نمود.<sup>۳</sup>

اهتمام سلاطین صفوی در حمایت و رسمیت یافتن تشیع دوازده امامی در ایران، عرصه را بر دیگر فرقه‌ها، حتی فرقه‌های شیعی تنگ می‌نمود،<sup>۴</sup> به طوری که گروه کثیری از شیعیان

۱. گروه مذاهب اسلامی، اسماعیلیه، ص ۲۴.

۲. حسن بن محمد بن حسن بن کیا بزرگ امید، ملقب به جلال الدین و مشهور به حسن سوم، پس از احراز مذهب امامت نزاریان، نظریه و فرمان حسن دوم مبنی بر اعلام قیامت و لغو شریعت رارد نموده و به پیروان خود، فرمان بازگشت به شریعت را صادر نمود. ولی آنچه به نظر شگفت‌انگیز می‌رسد انتخاب مذهب شافعی به عنوان شریعت اسماعیلیان می‌باشد، نه شریعت اسماعیلی. البته برخی این انتخاب او را با هدف ملحق نمودن مجدد فرقه اسماعیلی به عالم اسلام دانسته‌اند، چراکه اعلام قیامت و لغو شریعت توسط یکی از امامان اسماعیلیه ازروای این فرقه را در جوامع اسلامی در پی داشت (مهدی فرمانیان، درستامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۱).

۳. «نزاریان قاسم شاهی دوران انجدان، اساس تعالیم دوره الموت را، به ویژه به صورتی که بعد از اعلام قیامت پرداخته شده بود، پیروی می‌کردند. نوشته‌ها و آثار اسماعیلی دوره فاطمی (که تشابه بیشتری به آموزه‌های تشیع اثناعشری داشت) که در مجموعه‌های طبیعی مستعلوی یمن حفظ شده بود، اینکه دیگر در دسترس نزاریان ایران و مناطق هم‌جوار قرار نداشت، در نتیجه، نزاریان هیچ‌گونه علاقه اصولی به جهان‌شناسی یا تاریخ دوری، یعنی موضوعاتی که در نوشته‌های طبیعی سده‌های میانه مطرح است، نداشته است» (فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۲۲۸).

۴. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۲۴۰.

زیدی طبرستان در عصر این سلاطین به مذهب اثناعشری در آمدند و چاره‌ای برای اسماعیلیان به جز هجرت به آسیای مرکزی و شمال باختری هند یا باقی ماندن در ایران با پیروی از رویکرد تقيه نبود،<sup>۱</sup> چنان‌که تظاهر به تصوف یا تشیع اثناعشری کمترین کاری بود که نزاریان ناگزیر از انجام آن بودند. این رویه به حدی در میان نزاریان و امام ایشان جدی گرفته می‌شد که عموم مردم و حتی سلاطین، از ایشان به عنوان شیعیان اثناعشری یاد می‌کردند، چنان‌که شاه خلیل‌الله، امام سی و هفتم نزاریان (۱۰۴۳م) تحت عنوان شیعه‌ای اثناعشری روابط نزدیکی با سلاطین صفوی داشت.<sup>۲</sup>

رویکرد تقيه در عهد سلاطین قدرتمندی چون شاه اسماعیل اول و شاه عباس کبیر از قوت و شدت بیشتری برخوردار بود، چنان‌که یکی از شاعران دربار شاه طهماسب صفوی به نام امری شیرازی پس از به قدرت رسیدن شاه عباس، به اتهام اسماعیلی بودن کشته شد.<sup>۳</sup> در این مجال برای بررسی و تحلیل سیر شکل‌گیری فرقه آقاخانیه و نقش عوامل و پدیده‌های سیاسی در این فرایند، مراحل تکوین و پویایی سیاسی - اجتماعی و مذهبی این فرقه - با توجه به تأثیرگذاری عوامل پیش گفته - عصر هر یک از امامان آقاخانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

## الف) آقاخان اول، محمد حسن حسینی (حسن علی‌شاه) و تجدید حیات نزاریان ایران (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق/۱۷۹۸-۱۸۳۵م)

چنان‌که گفته شد، بعد از انقراض سلسله صفویه، عرصه برای سر برآوردن گروه‌ها و افکار مقهور سلاطین صفوی مهیا شد، به طوری که امامان اسماعیلیه نزاری پس از قرن‌ها مستور بودن و انفعال در تمام حوزه‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به تدریج توانستند قدم‌هایی را در جهت بازگشت به عظمت و شوکت از دست رفتة خود بردارند که از این دوره به دوره تجدید حیات نزاریان در انجдан یاد می‌شود.

۱. همان، ص ۱۵.

۲. مهدی فرمانیان، همان، ص ۱۲۳.

۳. حامد الگار، همان، ص ۱۵.

## ۱. سیر ورود نزاریان به عرصه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و مذهبی

### ۱-۱. ایجاد روابط نزدیک و دوستانه با سلاطین

امامان نزاری در این دوره، به ایجاد روابط نزدیک با سلاطین توجه کردند. بر این اساس، سیدحسن بیگ (امام چهل و دوم نزاری) با شاهرخ افشار (حاکم افشاری کرمان) روابط حسن‌های برقرار کرد که ازدواج دختر سیدحسن بیک با پسر شاهرخ افشار، موجب تقویت این روابط شد.<sup>۱</sup>

ممکن است ارتقای سیاسی-اجتماعی امامان نزاری را در این دوره، معلول دو علت دانست: اول، عدم تعصب و پافشاری سلاطین بر مذهب تشیع اثناعشری و دیگری توجه اسماعیلیان نزاری هند به امام خود در ایران و فرستادن هدايا و نذورات برای امام خود که وی را بر هر کاری، خصوصاً جلب نظر حاکمان، قادر می‌ساخت. پیش‌کشی سالانه نزاریان هند به ابوالحسن شاه (چهل و چهارمین امام نزاری) را بالغ بر بیست هزار تومان برآورد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

این جایگاه امام نزاری، مورد توجه سلاطین نیز قرار می‌گرفت. نادر شاه در لشکرکشی سال ۱۷۳۸-۱۷۳۹ م به هند ابوالحسن شاه را که کودکی بیش نبود، به همراه خود برد تا هم خاطرش از اسماعیلیان ایران آسوده باشد<sup>۳</sup> و هم به این وسیله، حمایت نزاریان هند را در این فتوحات جلب نماید.

از دیگر نشانه‌های عدم حساسیت سلاطین افشار نسبت به نزاریان، انتقال رسمی اقامتگاه امام ایشان از کوهک (منطقه‌ای نزدیک قم) به شهر بابک، برای سهولت دسترسی پیروان اسماعیلی در کرمان، شهر بابک و هند به ایشان می‌باشد.<sup>۴</sup>

ابوالحسن شاه که در کرمان به «آقای مطلق» شهرت داشت،<sup>۵</sup> توانست روابطی را با کریم خان زند برقرار سازد که در سایه این روابط، ابوالحسن شاه به مقام بیگلربیگی میرزا

۱. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۵۷۱.

۲. حامد الگار، همان، ص ۱۶.

۳. همان.

۴. میرزا احمد خان عضدالدوله، *تاریخ عضدی*، ص ۲۲۴ و بخش تاریخ، «آقاخان»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، ص ۴۶۰.

۵. میثم تارم، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه آقاخانیه*، ص ۱۲.

حسین خان (حاکم زندی کرمان) منصوب شد. او در سال ۱۱۷۰ق/ ۱۷۵۶م با مرگ میرزا حسن خان و «با استفاده از هرج و مرج زندیه و قاجار، برای خود حکومتی تشکیل داد»<sup>۱</sup> که تا سال ۱۱۹۳ق/ ۱۷۹۹م ادامه یافت.<sup>۲</sup> در عصر قاجار نیز روابط میان امام نزاری و سلاطین رو به قوت نهاد.<sup>۳</sup> به طوری که شاه خلیل الله (امام جدید نزاری) توانست روابط دوستانه‌ای با فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۱ق- ۱۲۵۰ق/ ۱۸۳۴- ۱۷۹۷م) برقرار سازد. برخی این ارتباط را از حد یک ارتباط سیاسی یا اقتصادی به سبب منافعی که زائران هندی امام نزاری برای ایران داشتند، فراتر دانسته و گرایش شاه قاجار به کیش اسماعیلیه را پشتیبان این روابط دانسته‌اند.<sup>۴</sup> در این زمان است که شاه خلیل الله اقامت‌گاه خود را از شهر بابک به کهک بازگردانده،<sup>۵</sup> ولی دوباره به علی، از جمله سهولت در رفت و آمد زائران هندی، در سال ۱۲۳۰ق/ ۱۸۱۵م یزد را برای اقامت خود برگزید و همسر و فرزند خود را که در آینده بنیان‌گذار آقاخانیان شدند، در کهک باقی گذارد.

#### ۱-۲. اعزام داعیان نزاری به مناطق مختلف و دعوت به امامت خود

امام نزاری قاسم شاهی در دوره تجدید حیات انجдан با استفاده از شبکه گسترده و سنتی داعیان، موقعیت دینی- اجتماعی و حتی اقتصادی خود را تحکیم و گسترش می‌دادند، چنان‌که داعیان ایشان در شبه قاهره هند، ایران، افغانستان و آسیای مرکزی، جوامع نزاری را به امامت ائمه انجدان می‌خواندند و حتی دستورها و فرامین خود را مستقیماً از امام دریافت نموده و وجوده مذهبی را نیز به وی تسليم می‌نمودند.<sup>۶</sup>

از این رو برخی توجه حاکمانی، همچون نادرشاه افشار و فتحعلی‌شاه قاجار به ایشان و

۱. همان.

۲. همان، ص ۵۷۱.

۳. «آقاخان»، همان، ص ۱۷.

۴. مسعود میرزا ظل‌السلطان، تاریخ مسعودی، ص ۱۹۷ و محمدحسن حسینی، عبرت افرا، ص ۷: «(فتحعلی شاه قاجار) مadam الحیات رعایت عزت و احترام مرا زیاده از شاهزادگان عظام می‌کردند، بلکه در اکثر محافل از وصلت با من اظهار مفاخرت می‌فرمودند».

۵. حامد الگار، همان، ص ۱۷.

۶. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۲۳۵.

حتی راهیابی امامان نزاری را به دربار قاجار، برهمین اساس تحلیل می‌کنند و شاید فرستادن هدایایی گران قیمت از هند برای ناصرالدین شاه به وسیلهٔ حسنعلی‌شاه<sup>۱</sup> (یا چنان‌که خود می‌گوید محمد حسن حسینی،<sup>۲</sup> آقاخان اول) با توجه به چنین پیشینهٔ روابطی بود که بین شاهان قاجار و خاندان امامان نزاری برقرار بوده است.

### ۱-۳. ورود محمدحسن حسینی(آقاخان اول) به دربار قاجار

عهد سلطنت فتحعلی شاه را می‌شود دوران طلایی برای امامان نزاری دانست، زیرا در این زمان، امام نزاری تمام همت خود را در ورود به عرصهٔ سیاست و معادلات سیاسی - اجتماعی به کار می‌بست.<sup>۳</sup>

با کشته شدن شاه خلیل‌الله به سبب نزاعی که بین برخی از پیروانش با گروهی از مردم به رهبری شخصی به نام ملاحسین، در یزد<sup>۴</sup> رخ داد، و همچنین بروز مشکلات اقتصادی که به واسطه غصب املاک‌شان در کهک به وجود آمده بود،<sup>۵</sup> بی‌بی سرکاره همسر شاه خلیل‌الله (م ۱۲۶۷ق/ ۱۸۵۱م) دادخواستی را به دربار فتحعلی‌شاه فرستاد که مسموع شاه قاجار واقع شد. و فتحعلی‌شاه علاوه بر تنیبهٔ قاتلان و استرداد املاک شاه خلیل‌الله، در پی دل‌جویی از فرزندش محمد حسن شاه نیز برآمد. به این ترتیب، محمدحسن، مورد لطف ویژهٔ قاجار قرار گرفت و فتحعلی‌شاه بیست و چهارمین دختر خود به نام سرو جهان خانم را به ازدواج وی در آورد<sup>۶</sup> و مبلغ ۲۳/۰۰۰ تومان برای هزینهٔ عروسی ایشان اختصاص داد.<sup>۷</sup>

از دیگر عنایات شاه قاجار، واگذاری حکومت قم و محلات به وی<sup>۸</sup> و ملقب ساختن او به

۱. حامدالگار، همان، ص ۳۶.

۲. «آقاخان»، همان، ص ۴۶۱.

۳. مصطفیٰ غالب، اعلام‌الاسماعیلیه، ص ۲۱۵.

۴. میر خواند، تاریخ روضة الصفاء، ج ۹، ص ۵۵۲ و فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۷۶.

۵. محمدحسن حسینی، همان، ص ۵.

۶. میرزا احمدخان عضدالدوله، همان، ص ۲۲۴.

۷. محمدحسن حسینی، همان، ص ۷.

۸. محمدکریم فقیدی نیشابوری، تاریخ و عقاید فرقه آقاخانیه، ص ۱۱۲.

«آقاخان» بود.<sup>۱</sup> این لقب به قدری شیوع و گسترش یافت که از این زمان به بعد، امامان نزاری قاسم‌شاهی به نام آقاخان شهرت یافته، حتی پیروانشان را آقاخانیان نام نهادند. آقاخان جدید در این دوره که از منسوبان دربار قاجار محسوب می‌شد، محلات را اقامت‌گاه و مرکز دعوت خود قرار داد. این اوضاع تا مرگ فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۸۳۴ م ادامه داشت.<sup>۲</sup>

#### ۱-۴. انتصاب آقاخان به حکومت کرمان

با روی کار آمدن محمدشاه قاجار حکومت کرمان در سال ۱۸۳۴ م به آقاخان واگذار شد.<sup>۳</sup> وی با سپاهی که مدت‌ها پیش در محلات گردآورده بود<sup>۴</sup> و با رد پیشنهاد شاه مبنی بر فرستادن قشون دولتی، خود مستقلأً به سامان دادن اوضاع آشفته کرمان پرداخت.<sup>۵</sup> البته وی به علی<sup>۶</sup> از حکومت کرمان عزل شد و به نشان اعتراض، خود را در ارگ بهم محصور نمود، حتی در مقابل سهراب‌خان، فرستاده قاجار، دست به جمع‌آوری قشون و تکمیل استحکامات ارگ زد و توانست چهارده ماه در مقابل محاصره قشون قاجار ایستادگی نماید.<sup>۷</sup> در نهایت با وساطت و امان‌دادن محمدصادق خان (پسر عموی محمدشاه قاجار) سرتسلیم فرود آورد و تنها پس از گذشت هشت ماه که در زندان کرمان به سر برد، اجازه یافت با محمدشاه قاجار ملاقات کند.<sup>۸</sup>

محمد شاه قاجار که از لشکرکشی به هرات باز می‌گشت، آقاخان را پس از مدتی انتظار، در

۱. مصطفی غائب، *علام الاسماعیلیه*، ص ۲۱۴.

۲. حامد‌الگار، همان، ص ۱۹.

۳. محمدجعفر خورموجی، *حقایق الاخبار ناصری*، ص ۲۵.

۴. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۵۷۶.

۵. محمدحسن حسینی، همان، ص ۹.

۶. «سوء رفتار و زشتی گفتار حاجی میرزا آفاسی مایه اسباب گردیده» (محمدجعفر خورموجی، همان، ص ۲۹)، برخی دیگر، فتنه‌انگیزی عبدالالمحمد محلاتی نامی را که اتفاقاً از مریدان سابق آقاخان بوده است، از مهم‌ترین عوامل عزل آقاخان می‌دانند (لسان‌الملک، *ناسخ التواریخ*، ص ۷۳۴).

۷. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۵۷۷.

۸. همان، ص ۲۵.

شهر ری به حضور پذیرفت و چشمپوشی از گناه وی را مشروط بر این دانست که آقاخان به محلات باز گردد و به املاک و مستغلات خانوادگی قناعت کند.<sup>۱</sup>

## ۲. شورش آقاخان در سال ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م و عوامل آن

آقاخان که تحقق آرزوهای خود را تنها در گرو حکومت برکرمان می‌دید، در سال ۱۸۴۰م مرحله دیگری از تلاش‌های خود را برای کسب قدرت و تشکیل حکومت در منطقه کرمان آغاز نمود، زیرا در آن جا از حمایت قبایل عطاءاللهی نیز برخوردار بود.<sup>۲</sup>

وی ابتدا به بهانه تشرف به مکه برای خروج از محلات از شاه قاجار اجازه گرفت، در مرحله بعد خانواده خود را در یکم سپتامبر ۱۸۴۰ به عتبات مقدس عراق فرستاد و در مرحله سوم، اسنادی را مبنی بر انتصاب خود به حکومت کرمان به وسیله منشی خود (میرزا احمد یا میرزا حبیب الله اصفهانی) جعل نمود.<sup>۳</sup> بعد از فراهم کردن مقدمات لازم، به همراه قشون خود در چهارم رجب ۱۲۵۶ عازم کرمان شد و در شهر بابک و سیرجان به نبردهایی با قشون دولتی پرداخت.

خشون وی در محرم ۱۲۵۷/فوریه ۱۸۴۱ با دریافت توپخانه و مهامات جنگی ای که انگلیسی‌ها به وسیله سعیدخان بلوج برای او فرستاده بودند، جان تازه‌ای گرفت و دو باره عازم کرمان شد<sup>۴</sup> و در جنگی سخت توانست لشکریان اسفندیارخان، برادر حاکم کرمان را با استفاده از توب، تارومار سازد.

با ائتلاف فضل‌علی خان (حاکم کرمان)، عبدالله خان (حاکم ارگ) و علی خان لاری (فرمانده سپاه فارس)، در «ریگان» از توابع نرماشیر، آقاخان به رغم دارا بودن قشونی ۲۴/۰۰۰ نفری،<sup>۵</sup> متحمل شکست شد و راهی جز خروج از ایران نیافت.

۱. همان، ص ۵۷۸.

۲. حامد الگار، همان، ص ۲۱.

۳. محمد جعفر خورموجی، همان، ص ۳۰ و محمد کریم فقیدی نیشابوری، همان، ص ۱۳-۱۴.

۴. لسان الملک، همان، ص ۷۵۹-۷۶۰ و «آقاخان»، همان، ص ۶۴۱.

۵. حامد الگار، همان، ص ۲۷.

با توجه به شواهدی که بر شورش گونه بودن حرکت‌های آقاخان وجود دارد،<sup>۱</sup> زمینه‌ها و انگیزه‌هایی را نیز می‌توان برای حرکت او تصویر نمود که روابط و معادلات سیاسی داخلی و خارجی و پیامدها و آثار این روابط و معادلات، از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند، از جمله:

#### ۲-۱. کشمکش‌ها و رقابت در دربار قاجار

با روی کار آمدن محمدشاه قاجار و گرایش‌های صوفیانه او، اجتماعات درویشان گسترش یافت و حتی پای آنان به دربار نیز کشیده شد، به طوری که در میان بزرگان دربار، حاجی زین‌العابدین شیروانی و حاجی میرزا آفاسی که منصب صدر اعظمی را نیز بر عهده داشت، از پیروان طریقت نعمت‌اللهی بودند.<sup>۲</sup> آقاخان و پیروانش نیز به دلیل گرایش‌های صوفیانه،<sup>۳</sup> در این جریان‌ها وارد شدند.

البته این ائتلاف صوفی - اسماعیلی پیشینه فکری و تاریخی نیز داشت، زیرا «اگر در کیش اسماعیلیان امام به منزله انسان کامل به شمار می‌رفت، آن انسان نخستینی که به قدرت‌های روحی به تمام چیرگی داشت نیز در تصوف، قطب نامیده می‌شد».<sup>۴</sup> آقاخان خود نیز گرایش‌های صوفیانه داشت، چنان‌که نام طریقتی او «عطاءالله شاه» بود.

از این رو برخی، نفوذ سران صوفیه در دربار و رقابت افرادی چون حاجی زین‌العابدین شیروانی و حاجی میرزا آفاسی را در پیشوایی طریقه نعمت‌اللهی که بعد از مرگ مجذوب علی

۱. همان، صن ۲۱.

۲. «از فرق معروف صوفیه، منسوب به عارف مشهور شاه نعمت‌الله ولی کرمانی هستند که متخلص به سید و معروف به شاه بود و از بزرگان و عرفای قرن هشتم هجری به شمار می‌رفت» (محمدجواد مشکور، همان، ص ۴۴۷).

۳. حامد الگار، همان، ص ۳۰.

۴. از آن جهت که یکی از پوشش‌های جوامع نزاری در رویکرد تقطیع، تظاهر به تصوف بود و مرور زمان و استمرار رویکرد تقطیع باعث شده بود که این گروه از شیعیان به عنوان گروهی از صوفیه شناخته شوند، از این رو امامان نزاری نیز، هم برای حفظ ارتباط با جوامع نزاری و هم رعایت تقطیع، در برخی مقاطع به سلک صوفیان درآمد و حتی نام‌های صوفیانه اختیار می‌کردند. هم‌چنین امامان نزاری، هم‌چون مشایخ صوفیه کلماتی چون شاه و علی بر نام خود می‌افزودند و اصطلاحاتی چون مرشد و مرید به کار می‌بردند (ر.ک: تاریخ اسماعیلیه، همان، ص ۳۶).

۵. حامد الگار، همان، ص ۲۹.

شاه (قطب سلسه) در سال ۱۲۳۸ق/ ۱۸۲۳م به اوج خود رسید، از مهم‌ترین عوامل عزل آفاخان از حکومت کرمان دانسته‌اند.

## ۲-۲. اهمیت حکومت کرمان

با توجه به سابقه حکومت ابوالحسن شاه بر کرمان و محبوبیت اوی به سبب بذل و بخشش‌هایش نزد عموم مردم کرمان، هم‌چنین وجود هوادارانی در کرمان و شهر بابک، تبعیت طوایف نعمت‌اللهی از اوی و در نهایت، سهول الوصول بودن کرمان برای زائران هندی اوی<sup>۱</sup> به دلیل شرایط مذهبی، جغرافیایی و سیاسی کرمان، بر اهمیت این منطقه در نظر آفاخان می‌افزود.

از دیگر عوامل اهمیت کرمان در تحرکات و خیزش سیاسی آفاخان، ناخرسندی و خصومتی بود که مردم کرمان از قاجاریه به دل داشتند، چرا که فراموش کردن قتل عام آقامحمدخان قاجار در کرمان به آسانی ممکن نبود و هم‌زمانی برخی شورش‌ها و نارضایتی‌های محلی با مرحله دوم شورش آفاخان<sup>۲</sup> از شواهد این ویژگی اجتماعی کرمان و مورد توجه قرار گرفتن این منطقه توسط آفاخان می‌باشد. و درست همین امر باعث شده بود که حاکمان قاجاری کرمان از هواداری مردم از شورش آفاخان بهراستند.<sup>۳</sup> و شاید بعید به نظر نیاید که به عقیده برخی، حکومت آفاخان بر کرمان هدفی بود که سال‌ها پیش مقدمات آن توسط امامان نزاری فراهم شده بود. البته ریشه‌های تاریخی‌ای را نیز می‌توان برای توجه امامان قاسم‌شاهی به منطقه کرمان بازشناسی کرد، به طوری که برخی، مهاجرت قبایل و اجتماعات اسماعیلیه نزاری خراسان به منطقه کرمان و حتی نام‌گذاری ایشان را به عطاء اللهی، از اقدامات شاه نزار دوم (م ذی‌حجه ۱۱۳۴/ سپتامبر ۱۷۲۲) می‌دانند.<sup>۴</sup>

۱. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۱۵.

۲. حامد الگار، همان، ص ۲۸.

۳. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۸.

۴. «نام طریقتی اوی (شاه نزار دوم) عطا‌الله بود. این نکته روشن می‌سازد که چرا بعضی از پیروان اوی در بخش‌هایی از کرمان عطاء‌اللهی خوانده می‌شدند. این نزاریان که اصلاً از قبایل چادرنشین خراسان

### ۳-۲. تحریکات امپراطوری بریتانیا

گرچه نمی‌توان روابط پر رنگی را برای حرکت سیاسی آفاخان و دولت بریتانیا در آغاز تصویر نمود، ولی حمایت‌های سیاسی و نظامی از او در اثنای شورش<sup>۱</sup> و بعد از آن، این نتیجه را به دست می‌دهد که در دیدی خوشبینانه، حرکت سیاسی و شورش آفاخان، منافع سیاسی قابل توجهی برای بریتانیا در پی داشت، زیرا:

شاید تصادفی نبود که نخستین گام شورش آفاخان، درست زمانی آغاز شد که سپاهیان ایران به رغم خواسته‌های بریتانیا به سوی هرات پیش می‌رفتند و اندک انحراف توجه ایرانیان به سوی جنوب (کرمان و فارس) برای صاحب‌نظران جنگی بریتانیا بسیار دل‌پیشند بوده است.

خرسندی بریتانیا از شورش آقاخان در کرمان به این دلیل بود که این شورش در مناطق مرکزی و جنوبی ایران توان دولت مرکزی را در مناطق و مرازهای شرقی کاهش داده و بریتانیا با موانع کمتری در دست یابی به خواسته‌ها و منافع سیاسی خود در این مناطق روبرو می‌شد. چنان‌که مک‌نیل، وزیر بریتانیا در تهران در تلگرافی به پالمرستون چنین می‌نویسد:

آقاخان با تصویب آشکار به منزله پارهسنگی است برای حمله محمدشاه به شرق، در ضمن آقاخان در حفظ ارگ بم واقع در نزدیک کرمان، همچنان پایداری همی کند و تاختن‌های پیرومندانه‌ای علیه نیروهای گردپیچ کننده انجام داده است.<sup>۲</sup>

اهمیت شورش آفاخان نزد مقامات بریتانیا و نقش آن در انصراف توجه شاهان قاجار به مناطق و مرزهای شرقی به اندازه‌ای است که دولتمردان بریتانیا آشکارا شاهان قاجار را برابر بحران توجه داده و ایشان را از اهتمام به تحرکات و تهدیدات مرزهای شرقی منصرف می‌ساختند و به حکومت ایران چنین القامی کنند که به طوری که «شورش آفاخان نیز برای وزیر بریتانیا، مک نیل (Neil Mc) در تهران دستاویز تازه‌ای فراهم کرد تا حکومت ایران را از

→ بودند به ابتکار خود نزار در ناحیه سیرجان و جاهای دیگر در کرمان اسکان یافته‌ند (فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسلامعلیه، ص ۵۲۶).

١. مس زا احمد خان عضدالدوله، همان، ص ٢٢٥.

٢. حامد الگا، همان، ص. ٣١.

## ۲. آفاخان و انگلستان

### ۱-۳. خروج آفاخان از ایران و گسترش روابط با بریتانیا

توجه اروپاییان به فرقه اسماعیلیه به لحاظ سیاسی - اجتماعی، محدود به عصر امامت آفاخان نمی‌شود، چراکه سال‌ها قبل، اروپاییان به این استعداد نهفته در مناطقی، چون سوریه، ایران، هند، شمال افریقا و... پی‌برده بودند، چنان‌که م. روسيو،<sup>۳</sup> کنسول فرانسه، در پی ارتباط‌هایی که با اسماعیلیان سوریه برقرار ساخته بود در سفر خود به ایران اطلاعاتی را در بارهٔ پیروان این فرقه و امامشان و حتی مراکز اجتماع آنان در ایران جمع‌آوری نمود و در گزارش‌های خود به خصوصی علمای اثناعشری ایران با نزاریان و امامشان، شاه خلیل‌الله و هم‌چنین حمایت فتحعلی‌شاه قاجار از شاه خلیل‌الله به سبب در آمد هایی که زائران هندی او برای ایران داشتند، اشاره کرده است.<sup>۴</sup>

به هر ترتیب، آفاخان اول را می‌توان اولین امام نزاری دانست که توانسته است به طور مستقیم با دولتی غیر مسلمان روابط حسنی برقرار نماید و اهداف و آمال خود را در پیروی از سیاست‌های آن جست‌وجو کند. هم‌چنین از این زمان به بعد می‌توان آفاخان محلاتی (چهل

۱. همان.

2. [WWW\\_iranianhistoryonthisday.com](http://WWW_iranianhistoryonthisday_com).

3. M.Rousseau.

۴. حامد الگاری، همان، ص ۳۲.

وششمین امام نزاریان اسماعیلی) را در زمرة دلالان و کارگزاران بریتانیا در منطقه هند، خراسان خاوری و بلوچستان دانست، چرا که وی قشون تحت فرمان خود را با نیروهای انگلیسی همراه ساخته و در سرکوب قیام‌های آزادی خواهانه مردم منطقه، همچون قیام محمد اکبرخان<sup>۱</sup> و درهم شکستن مقاومت‌های مردمی‌ای چون مقاومت ناصرخان،<sup>۲</sup> نیروهای انگلیسی را یاری کرد. آفاخان در مقاطع مختلفی از کتاب خود از نیروهای انگلیسی به نام «خلق الله» یاد کرده و به الحاق قشون خود به این نیروهای اشاره نموده است.<sup>۳</sup> گسترده‌گی تعامل بین آفاخان و انگلستان موجب شده است که برخی فرار آفاخان به قندهار و هند را به خواست انگلستان و با هدف بهره‌برداری از نفوذ مذهبی - اجتماعی وی در هند و افغانستان بدانند.<sup>۴</sup>

#### ۲-۳. اقدامات آفاخان در تحیکم سلطه بریتانیا بر سند و بلوچستان

مقامات و حاکمان انگلیسی به خوبی دریافته بودند که شخصیتی چون محمدحسن حسینی (آفاخان اول) با افکار، قابلیتها و جایگاه اجتماعی و مذهبی اش چقدر می‌تواند در پیشیرد سیاست‌های بریتانیا در هند مفید واقع شود و این شناخت از آفاخان به خوبی در گزارش سر چارلز نپیر که در سال ۱۲۶۰ق نوشته شده، آشکار است، چنان که او می‌نویسد:

شاهزاده سال خورده ایرانی (آفاخان) از دوستان صمیمی من در این جاست.  
هزینه زندگی او را من نمی‌دهم، ولی سالیانه دوهزار پوند استرلینگ برای او مقرر کرده‌ام. او (در نظر مریدانش) خداست و در آمد هنگفتی دارد ... او مردی زیرک و شجاع و بی‌باک است. گزافه نیست اگر بگویم که پیروانش از انجام هیچ یک از خواسته‌های او سرباز نمی‌زنند ... (حتی) اگر بخواهد می‌تواند دستور دهد مرا بکشنند. به کمترین اشاره او، یکی از مریدانش این کار را خواهد

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. «... و من در همه جنگ‌ها بودم و بعد امکان معاونت خلق الله را مواظبت می‌نمودم، چون تفصیلش در دفاتر انگلیسی (انگلیسی‌ها) ثبت است» (محمدحسن حسینی، همان، ص ۵۶ و ۶۰).

۴. محمد فاروق فرقانی، تاریخ اسماعیلیان قهوهستان، ص ۴۱۱.

کرد و به پاداش آن، یک راست به بهشت خواهد رفت.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۳. رایزنی با امیران و سرداران جبهه مقاومت

آفاخان که به دلال انگلستان در سند تبدیل شده بود، مذاکراتی را برای همراه نمودن حاکمان و سرداران محلی با سیاست‌های انگلستان انجام داد. خود وی در مورد اشغال کراچی چنین می‌نویسد:

من از ره‌گذر خیرخواهی، اصرار بسیار به میرها نمودم که مصلحت شما این است  
که کراچی را واگذارید و آسوده شوید که علاوه از آن‌چه مداخل سالیانه کراچی  
است، از دولت انگلیز (انگلیس) به شما عاید خواهد شد، مگر قبول نکردن تا آن‌که  
لشکر خود را جمع نموده...<sup>۲</sup>

### ۲-۲-۳. نفوذ و کارشکنی در جبهه مقاومت

آفاخان در برخی مقاطع که از مذاکراتش برای سرسپردگی امیران به انگلستان نتیجه نمی‌گرفت، برنامه دیگری را برای کارشکنی و تضعیف جبهه مقاومت به اجرا در می‌آورد، چنان‌که وقتی وی نتوانست نصیرخان، امیر تالبرکلات را از مقاومت در مقابل انگلستان باز دارد، ابتدا به سست کردن نیروها و سرداران نظامی پرداخت. خود او در کتاب عبرت‌افزا می‌نویسد:

... من سوار شده رفتم در اردوی میر موصوف و اوّلًا آن‌چه لوازم نصیحت و

خبرخواهی بود در ممانعت از جنگ و واگذاردن کراچی به جا آوردم مفید نیافتاد.<sup>۳</sup>

وی در اقدامات خود، هدفی جز خیانت و هرج و مرج در جبهه مقاومت در جهت تأمین منافع انگلستان نداشت، چرا که او همیشه خود را ملزم به حمایت از نیروهای اشتغال‌گر بریتانیا دانسته و عاقبت همین مقاومت نیز با خیانت وی به اشغال حیدرآباد و شکست امیران محلی انجامید.<sup>۴</sup>

۱. جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص ۴۰۸.

۲. محمدحسن حسینی، همان، ص ۵۹.

۳. همان.

۴. همان.

### ۳-۲-۳. خیانت به امیران سند

آفاخان که نتوانسته بود سند را بدون زحمت برای انگلستان به دست آورد، سرگرد جیمز اوترم را از نقشه نصیرخان در حمله شبانه به اردوگاه نیروهای انگلیسی در «چهاونی» مطلع نمود و او را با نیروهایش از شبیخون نصیرخان نجات داد. کمترین پیامد این خیانت، تصرف حیدرآباد به وسیله سرگرد اوترم در روز بعد بود.<sup>۱</sup> وی پس از حیدرآباد به کمک قوای بریتانیا در سرکوب خوانین (جرکه) شتافت.

آفاخان به دلیل خدمات خالصانه‌اش در سند، مقرری سالانه‌ای به مبلغ دوهزارلیره از ژنرال چارلز ناپیر، فاتح بریتانیا<sup>۲</sup> می‌گرفت. سند که روابط دوستانه‌ای با آفاخان از پاییز ۱۸۴۲ م داشت، دریافت می‌کرد.

### ۳-۲-۴. استفاده از امتیازات اجتماعی - مذهبی برای پیشبرد اهداف انگلستان

آفاخان که دست‌یابی به همه اهداف خود را در گرو خدمت به بریتانیا می‌دید از تمام توان نظامی، دیلماسی و حتی ملی - مذهبی خود در این راه استفاده نمود، چنان‌که گاهی به عنوان خیرخواه و گاهی به عنوان «تکلیف مسلمانی»<sup>۳</sup> و در مقاطعی دیگر با فراخوان هواداران و پیروان خود برای حمایت از انگلستان یا عدم همراهی با جبهه‌های مقاومت در مقابل بریتانیا، آن‌چه از جایگاه دینی - اجتماعی در اختیار داشت تا توان نظامی - سیاسی در خدمت به بریتانیا به کار گرفت. آفاخان در عبرت افزایش استفاده از جایگاه دینی - مذهبی خود برای کمک به منافع انگلستان اشاره می‌کند:

چون صاحبان انگلیس (انگلستان) مرا خیرخواه خلق الله می‌دانستند و به مناسبت مسلمانی (!!) از من خواهش کردند که چند نفر آدمان به دلالت میرشیر خان و سایر خوانین بلوچیه بفرستم که بی‌غایله اطمینان حاصل نمایند، من هم به خواهش ایشان عمل نمودم مگر نصایحم به بعضی اثر کرد و به اکثر مفید نیافتاد...<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص. ۶۰.

۳. همان.

### ۵-۲. تجاوز به خاک ایران

انگلستان که مقاومت برخی سران بلوچ را مانع دست یابی به مناطق غربی و هم مرز با ایران می‌دید برای به فرمان در آوردن آنان، طرحی را برای تصرف قلعه «بمفہل» در بلوچستان ایران، با هدف محصور شدن سران بلوچ و تهدید آنان آماده نمود و اجرای آن را محمد باقرخان، برادر آقاخان محلاتی به عهده گرفت.<sup>۱</sup>

آقاخان در اجرای این طرح، ابتدا نیروهای تحت فرمان خود را به فرماندهی برادرانش محمد باقرخان و ابوالحسن خان در ربيع الاول سال ۱۲۶۰ از راه مکران و چابهار به بلوچستان ایران فرستاد و در مرحله بعد با نامه‌نگاری، خواستار حمایت برخی سران محلی در ایران از این سپاه شد،<sup>۲</sup> اما بعد از دو سال این لشکرکشی به سبب مقاومت قشون ایران با شکست روبرو شد و ابوالحسن خان به اسارت قشون قاجار درآمد. وی بعدها به دلیل مهارت در جنگ و شکار، جزء خواص دربار قاجار شد و با یکی از شاهزادگان قاجار ازدواج کرد.<sup>۳</sup> برخی محققان براین باورند که این گونه اقدامات آقاخان علیه سرزمین مادری خود، بیان گر آرزوی دیرینه آقاخان (حکومت بر ایران) بوده است:

زمانی که آقاخان اول برای نخستین بار به هند آمد، قصد نداشت در این سرزمین ماندگار شود. او امیدوار بود قوامی در آنجا گرد آورده و احتمالاً با جلب حمایت انگلیسی‌ها برای تصرف ایران وارد جنگ با این کشور شود.<sup>۴</sup>

حتی آقاخان سوم نیز که به طور کلی از حکومت بر ایران مأیوس شده بود، این آرزو را در هند جست‌وجو می‌کرد، چنان‌که در مناسبتهای مختلف از حاکمان انگلیسی تقاضا کرده بود که مناطقی را به او واگذار نموده تا وی در آن مناطق به تشکیل حکومت پردازد.<sup>۵</sup> پس از شکست توطئه آقاخان در تصرف قلعه «بمفہل» در بلوچستان ایران، وی در آوریل ۱۸۴۴ راهی بمبهی شد و این شهر را برای سکونت موقت خود برگزید.

۱. حامد الگار، همان، ص ۳۴.

۲. همان و محمدحسن حسینی، همان، ص ۶۵.

۳.

۴. جان نورمن هالیستر، همان، ص ۴۲۱.

۵. همان.

از طرفی این اقدام آقاخان، از سوی شاه ایران عملی خصم‌مانه تلقی شده، بر اساس ماده ۵ پیمان نامه ۱۸۱۴ م بین دولت‌های ایران و انگلستان مبنی بر استرداد فراریان و گریختگان، دولت ایران خواستار استرداد آقاخان به ایران شد. همچنین دولت ایران شکواییه دیگری را علیه انگلستان مبنی بر استفاده از قلمرو انگلیس برای لشکرکشی به قلعه «بمفہل» در ایران و تحریک قبایل به شورش علیه دولت مرکزی و همراهی در تجاوز، مطرح ساخت. در پاسخ، دولت انگلستان از ایران خواسته بود که با توجه به خدمات‌های آقاخان به امپراطوری بریتانیا از اجرای این ماده پیمان نامه ۱۸۱۴ م «با روحیه دوستانه» چشم‌پوشی شود، در عوض، دولت انگلستان متعهد می‌شود که اقامت‌گاه آقاخان را از بمبهی به کلکته منتقل سازد.<sup>۱</sup>

بعد از مرگ محمدشاه قاجار، در ۶ شوال ۱۲۶۴/۴ سپتامبر ۱۸۴۸ و روی کار آمدن شاه و صدراعظم جدید، روزنه‌هایی از امید در دل آقاخان گشوده شد. وی در هفتم دسامبر همان سال با حمایت دولتمردان انگلستان برای بازگشت آزادانه به ایران و دست‌یابی به حکومت کرمان به رایزنی پرداخت، اما پاسخ قاطع و سرسختانه، میرزا تقی خان فراهانی، معروف به امیرکبیر به درخواست انگلستان، آقاخان را بار دیگر از بازگشت به ایران نالمید کرد، چرا که امیرکبیر در صورتی با بازگشت آقاخان به ایران موافقت می‌کرد که وی در مرز با عنوان مجرمی فراری تحويل مقامات ایرانی شود.<sup>۲</sup>

### ۳- چالش‌های فرقه‌ای پیش روی آقاخان در هند و حمایت انگلستان

یکی از موانع پیش روی آقاخان در استحکام و مقبولیت جایگاه معنوی - و به تبع آن - سیاسی خود، وجود فرقه‌های مختلف اسماعیلی در هند بود، زیرا اسماعیلیان طبیبی<sup>۳</sup>

۱. حامد الگار، همان، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. در سال ۱۸۵۲ ق با کشته شدن الامر با حکام الله فاطمی، به وسیله یکی از فدائیان نزاری و بروز اختلافاتی در جانشینی وی، اسماعیلیان دچار انشعاب جدید شدند که طی آن گروهی از آن‌ها به خلافت و امامت الحافظ لدین الله، (پسر عمومی خلیفه مقتول) معتقد شده و به فرقه «حافظیه» شهرت یافتند و گروهی نیز مدعی وجود فرزندی شش ماهه به نام طیب برای خلیفه مقتول شده و امامت الحافظ لدین الله را پذیرفتند. در این انشقاق اسماعیلیان یمن معتقد به امامت طیب شده و از فاطمیان مصر جدا شدند و به ←

(بهره‌ها)،<sup>۱</sup> خوجه‌ها<sup>۲</sup> و محمد شاهیان<sup>۳</sup> از دیگر فرقه‌های اسماعیلی بودند که سلسله امامتشان هر چند دچار مشکل و چالش شده بود،<sup>۴</sup> ولی متفاوت از سلسله امامان نزاری قاسم‌شاهی بودند. این تفرقه و تشتت، آقاخان را با چالش‌ها و بحران‌هایی رو به رو می‌ساخت که تمایل برخی خوجه‌ها و نزاریان به مذاهی، چون شیعیان اثناعشری و اهل‌سنّت<sup>۵</sup> و زیر سؤال بردن امامت و اختیارات وی، بخشی از این بحران‌ها بود. البته شروع این مقاومنا و مخالفتها را نمی‌توان همزمان با ورود آقاخان به هند دانست، چرا که آقاخان در همان سال‌های آغازین امامت خود، در سال ۱۸۲۷ م نیز با مخالفت گروهی از خوجه‌های هندی در

→ اسماعیلیان «طیبی» یا «طیبیان» شهرت پیدا کردند (ر.ک: مهدی فرمانیان، درسنامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۳۳).

۱. [بهره‌ها] همان، بازماندگان اسماعیلیان مستعلوی می‌باشند با جمعیتی قریب به بیانجاه هزار نفر که در جزیره العرب، سواحل خلیج فارس، حماة و لاذقیه سوریه و هند پراکنده‌اند. به آن‌ها مستعلویه نیز گفته می‌شود، چون سلسله امامتشان به المستعلی بالله احمد بن المستنصر نهمین خلیفه فاطمی مصر می‌رسد» (محمدجواد مشکور، همان، ص ۵۳).

۲. خواجه از کلمه فارسی «خواجه» و به معنای ارباب می‌باشد. این نام به وسیله سید صدر الدین (مرتّج این فرقه در هند) بر آن‌ها نهاده شده است. او که از داعیان اسماعیلی نزاری در قرن هشتم هجری می‌باشد، آموزه‌های اسماعیلی با ترکیبی هندی را به آن‌ها تعلیم می‌داده، از این رو گرچه خود را از فرقه‌های اسلامی می‌داند، ولی آداب و رسومی مانند هندویان داردند. از بُعد مذهبی، بیشتر خواجه‌ها نزاری بوده و گروهی از ایشان نیز شیعه اثناعشری یا از اهل‌سنّت می‌باشند (ر.ک: مهدی فرمانیان، همان، ص ۱۲۸).

۳. پس از کشته شدن خور شاه، امام نزاریان به دست هلاکوخان در سال ۱۵۴۶ق، به ادعای نزاریان فرزندی از وی باقی ماند به نام شمس الدین محمد که وی نیز در سال ۱۷۱۰ق از دنیا رفت. اختلاف در جانشینی وی موجب پدید آمدن انشعابی دیگر در فرقه اسماعیلیه شد و گروهی از ایشان قائل به امامت محمد شاه (م ۱۷۳۸ق در شیراز) شدند و به محمدشاهیان معروف شدند و گروهی دیگر از ایشان که آقاخانیان فعلی از اعقاب آن‌ها می‌باشند به امامت قاسم شاه (م ۱۷۷۱ق در قاسم‌آباد) معتقد شده و قاسم شاهیان نام گرفتند (ر.ک: مهدی فرمانیان، همان، ص ۱۲۱).

۴. هجرت شاه طاهر، امام نزاریان محمد شاهی به هند در سال ۹۲۶ق/ ۱۵۲۰م به سبب تهدیدات سلاطین صفوی صورت گرفت. هم‌چنین گروهی از نزاریان محمد شاهی به تدریج به هند مهاجرت نموده و سلسله اماماشان تا سال ۱۲۱۰ق در «احمدنگر» ادامه یافت تا این‌که به علت انقطاع در نسل امیر محمدباقر، آخرین امام ایشان، پیروان این فرقه پس از قریب به یک قرن سرگردانی در سال ۱۳۰۴ق، گروهی به شیعیان اثنا عشری و گروهی به نزاریان قاسم شاهی ملحق شده و امامت آقاخان سوم را پذیرفتند. هم‌اکنون فرقه اسماعیلیه محمدشاهی در شام، پیروانی دارند که البته در فقه، پیرو مذهب شافعی بوده و در انتظار امام غایب خود می‌باشند (فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۵۸).

۵. برنارد لوئیس و دیگران، اسماعیلیان در تاریخ، ص ۳۹۸.

مورد پذیرش امامت و پرداخت دیون مذهبی به وی روبرو شده بود.<sup>۱</sup> در سال ۱۸۶۰م رهبری خوجه‌های ناراضی را شخصی به نام «دهورومسی پونجاب هوی» بر عهده داشت. او مخالفت آفاخان با تحصیل خوجه‌های فقیر را در مدارس، بهانه اعتراضات خود قرار داد. نکته قابل توجه در این مرحله از اعتراضات، وارد شدن این منازعات به روزنامه‌های انگلیسی زبان هند و استقبال راپرت نایت، سردبیر روزنامه‌های بمبئی تایمز و استاندارد از این جنجال فرقه‌ای بود.<sup>۲</sup>

با اوج گرفتن نزاع‌های خوجه‌های مخالف آفاخان، دادخواستی از طرف آنان به دادگاه عالی بمبئی تقدیم شد که بر اساس آن، تصرفات آفاخان در اموال و عشریه‌های خوجه‌ها، همچنین مُکی و کامریا در جماعت‌های خوجه به ناحق و خارج از اختیارات آفاخان در مورد خوجه‌ها دانسته شد. آن‌ها مصارف این اموال را منحصرًا در جماعت‌های خوجه جایز دانسته و بهره‌برداری‌های شخصی آفاخان را از این اموال، جایز ندانستند.<sup>۳</sup>

در ذیحجه ۱۲۸۲/آوریل ۱۸۶۰ سر جوزف آرنولد، قاضی دادگاه عالی بمبئی پس از ۲۵ روز بررسی و تحقیق در مورد تاریخ و پیشینه جامعه خوجه‌ها، حکمی را در ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ صادر نمود<sup>۴</sup> که به موجب آن، نزاریان، شیعه امامی بوده و آفاخان مرشد یا رئیس روحانی آن جماعت و وارث سلسله امامان الموت شناخته می‌شد.<sup>۵</sup> همچنین حق تصرف آفاخان بر تمام اموال عمومی خوجه‌ها و دیوی که از ایشان گرفته می‌شد به رسمیت شناخته شد و همه اموال عمومی اسماعیلیان به نام آفاخان و تحت اختیار وی قرار گرفت.<sup>۶</sup> البته اگر چه دادخواست خوجه‌های مخالف علیه آفاخان را می‌توان نقطه اوج بحران داخلی و فرقه‌ای برای حرکت نوبای آفاخان در هند قلمداد نمود، ولی مطرح شدن مباحث سلسله امامت اسماعیلیان نزاری و «مطلوب مطروحه در دادگاه و انبوه شواهد و مدارک گرد آمده، توجه بسیاری از دانشمندان و مورخان را به

۱. برنارد لوئیس، *تاریخ اسماعیلیان*، ص ۱۵۶.

۲. ماهر بوس، *آفاخان‌ها*، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۱۴.

۴. «آفاخان»، همان، ص ۴۶۳.

۵. برنارد لوئیس، *تاریخ اسماعیلیان*، ص ۱۵۷.

۶. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۵۹۰.

## ۱. رویکردهای اجتماعی - فرهنگی

آقاخان دوم در مرحله نخست، به بهبود زندگی خوجه‌های نزاری توجه خاصی کرد. اهتمام

۱. «آقاخان»، همان، ج ۱، ص ۴۶۳.

۲. نایب الصدر شیرازی، سفرنامه نایب الصدر شیرازی در زیارت مکه و سیاحت ایران و هند، ص ۲۹۶.

۳. مصطفی غالب، اعلام الاسماعیلیه، ص ۳۷۳.

۴. نایب الصدر شیرازی، همان، ص ۲۹۷.

۵. مصطفی غالب، اعلام الاسماعیلیه، ص ۳۷۳.

ادبیات، تاریخ و مباحث کلامی اسماعیلیان جلب کرد و انگیزه مطالعات وسیع در این زمینه شد.<sup>۱</sup> آقاخان محلاتی سال‌های آخر عمرش را در بمبئی و در میان پیروانش سپری نمود. او علاقه وافری به مسابقات اسب دوانی داشت، به طوری که جانشینان او در اروپا نیز این سنت خانوادگی را ادامه می‌دادند. در نهایت، محمد حسن حسینی (حسن علی شاه) معروف به آقاخان اول، چهل و ششمین امام نزاری قاسم‌شاهی پس از ۶۴ سال امامت، در جمادی الاولی ۱۲۹۸/آوریل ۱۸۸۱ در بمبئی درگذشت و جسد او را در باغ حسن آباد محله مذکاون بمبئی در سردابی که با تربت سیدالشهداء تبرک یافته بود، به خاک سپرند.<sup>۲</sup>

## ب ) آقاخان دوم، آقاعلی شاه (۱۲۴۶-۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۵-۱۸۳۰م)

پس از مرگ آقاخان اول، در سال ۱۲۹۹ق پسر ارشد او آقاعلی شاه به امامت رسید. وی متولد ۱۸۳۰م در محلات و مادرش سر و جهان خانم دختر فتحعلی شاه قاجار بود. وی به دلیل اقامتی که در جریان شورش پدرش در عراق داشت، عربی، تاریخ و فلسفه و برخی آموزه‌های نزاری را آموخت.<sup>۳</sup> به دلیل انتساب مادری اش به قاجار و ازدواج با بی‌بی شمس الملوك، فرزند شمس الدوله، دختر فتحعلی شاه<sup>۴</sup> در اواخر سال ۱۸۴۰م به وی اجازه داده شد که در ایران اقامت داشته و به امور نزاریان و املاک خانوادگی رسیدگی نماید.<sup>۵</sup> او و مادرش سروجهان خانم در سال ۱۸۵۳م به آقاخان اول در بمبئی ملحق شده و به مقام ولايت‌عهدی پدر نایل آمد. برنامه‌های کلی آقاعلی شاه را پس از احراز امامت - از او با نام آقاخان دوم یاد می‌شد - می‌توان این گونه دسته‌بندی نمود:

وی به رفاه و ارتقای جایگاه اقتصادی - اجتماعی خوجه‌ها باعث شد جایگاه او نزد ایشان و حتی عموم مسلمانان هند به شخصیتی ممتاز تبدیل شود. البته در این میان کمک دولتمردان و پادشاهی انگلستان به ایجاد چنین جایگاهی قابل انکار نخواهد بود، چنان‌که ادوارد هفتم، ولی‌عهد پادشاهی انگلستان هنگام دیدار خود از بمبهی در سال ۱۸۷۷ م به دیدار آقاخان دوم در خانه‌اش در مازاگون رفت<sup>۱</sup> و این دیدار، اعتبار و نفوذی فوق العاده برای او در پی داشت؛ نفوذی که وی را بر هر کاری، از جمله فراهم نمودن اختیارات و امتیازات سیاسی در هند و مطرح شدن به عنوان شخصیتی ممتاز در میان جامعه فقیر و عقب نگه‌داشته شده مسلمانان هند قادر می‌ساخت. وی با در اختیار گرفتن ریاست «انجمن ملی محمدی» هند، خدمات آموزشی و رفاهی مسلمانان هند را گسترش داد.<sup>۲</sup> در حوزه فرهنگی نیز چندین مدرسه برای کودکان خوجه تأسیس نمود<sup>۳</sup> و با سرکشی به جماعت‌های خوجه توانست با مرکز کردن و انسجام بخشیدن به آن‌ها این گروه را وارد معادلات اجتماعی نماید. هم‌چنین رویکرد نزدیک با صوفیان طریقه نعمت‌اللهی را بعد از پدر ادامه داد و بزرگان این طریقت را به هند دعوت نمود و حتی برای تعظیم و احترامشان وجودی را به ایران می‌فرستاد.<sup>۴</sup>

## ۲. رویکردهای سیاسی و فرامنطقه‌ای

آقاخان دوم همانند پدرش بر مناسبات خود با انگلستان تأکید می‌نمود که از نتایج این روابط، انتصاب او به عضویت شورای قانون‌گذاری بمبهی به وسیله سرجیمز فرگوسن (حکمران انگلیسی بمبهی) و اعطای لقب «شوالیه»<sup>۵</sup> از جانب ملکه ویکتوریا و روابط نزدیک با ادوارد

۱. نایب الصدر شیرازی، همان، ص ۱۸.

۲. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۰.

۳. مصطفی غالب، اعلام الاسماعیلیه، ص ۵۹۰.

۴. آقای شاه «در بمبهی از چند تن از بزرگان نعمت‌اللهی ایران، از جمله محمد معصوم شیرازی، نایب الصدر پسر رحمت علی مؤلف طرایق الحقایق (مشهور به معصوم علی شاه)... (و) صفوی علی شاه از مهمان‌نوازی علی شاه (آقاخان دوم) برخوردار شد(ند)» (فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۱).

۵. Knighthood.

هفتم ولیعهد پادشاه انگلستان می‌باشد.<sup>۱</sup>

آقاخانی شاه توجه خود را به جوامع نزاریان هند محدود نکرد و تماس‌های خود را با پیروان خود در چین، علیا، برمه و شرق افریقا گسترش داد.

آقاخان دوم، پس از چهار سال امامت در سن ۵۵ سالگی برادر بیماری ذات‌الریه در ذی قعده ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر پونا اوت در گذشت و در مقبره خانوادگی‌شان در نجف‌اشرف به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

### ج) آقاخان سوم، سر محمدشاه حسینی (۱۲۹۴-۱۳۷۴ق/۱۸۷۷-۱۹۵۷م)

سلطان محمدشاه حسینی تنها بازمانده آقاخان دوم که به آقاخان سوم شهرت یافت، پس از پدر به امامت نزاریان قاسم‌شاهی رسید. وی در ۲ شوال ۱۲۹۴ هجری قمری در کراچی به دنیا آمد. مادرش شمس الملوك از شاهزادگان قاجار و نوه فتحعلی‌شاه قاجار بود<sup>۳</sup> که با اجازه برخی علمای اثناعشری نجف اشرف به ازدواج آقاخان دوم در آمد.<sup>۴</sup> بعدها به سبب تدبیر زیرکانه و نقش به سزاگی که در رهبری جماعت نزاریان ایفا نمود، در محافل بریتانیایی به «لیدی علی‌شاه» شهرت یافت.<sup>۵</sup> «مهمنترین ویژگی شخصیت آقاخان سوم، شناخت دقیق او از جهان معاصر» است.<sup>۶</sup> آقاخان سوم، لقب و عنوانی افتخاری بسیاری از جانب دولتمردان و پادشاهان داشت؛ «ستاره درخشان زنگبار»، «شمس همایون» از جانب دربار ایران، «ستاره ترکیه»،<sup>۷</sup> «شوایله» در سال ۱۹۹۸م، «فرمانده بزرگ» در سال ۱۹۱۱م از جانب دربار انگلستان و «فرمانده پروسی» از جانب امپراطوری آلمان از آن جمله است. وی درجه «آل، آل، دی» را از دانشگاه آکسفورد و نشان «جی، سی، آی، ای» را از پادشاه انگلستان دریافت

۱. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۰ و آقاخان، همان، ص ۴۶۳.

۲. نایب الصدر شیرازی، همان، ص ۲۹۸ و آقاخان، همان، ص ۴۶۳.

۳. نایب الصدر شیرازی، همان، ص ۲۹۷.

۴. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۱.

۵. همان، ص ۵۹۲.

۶. نایب الصدر شیرازی، همان، ص ۴۶۴.

۷. محمدحسن حسینی، همان، ص ۲۴، مقدمه.

کرده بود.<sup>۱</sup> تألیفاتی نیز از وی به جا مانده که برخی از آن‌ها عبارت است از: هند در حال تحول، در اسلام و اروپا، نور مبین حبل الله المتین - به واسطه نوشتن این کتاب، مفتخر به دریافت دکترای افتخاری در تاریخ اسلام از دانشگاه آکسفورد انگلستان شد. -، خاطرات و مقالاتی در روزنامه تایمز لندن، در خصوص مسائل مختلف جهان.<sup>۲</sup>

سرسلطان محمدشاه هنگام احراز مقام چهل و هشتمین امام نزاری، تنها هشت سال داشت، و آقا جنگی‌شاه (عموی او) قیومیتش را عهده‌دار بود، اگر چه حاجی پیرزاده در سفرنامه خود، شمس‌الملوک (مادر او) را «مدار دایره امور این سلسه» می‌خواند.<sup>۳</sup> آقاخان سوم تا هجده سالگی تحت تعلیمات مادر خود قرار داشت. تحصیلات وی بر سه محور معارف اسلامی، علوم اجتماعی و تاریخ اروپا بود و در علوم اسلامی و زبان فارسی و عربی از اساتید و معلمان ایرانی و مسلمانی، چون شمس‌العلمای گرگانی بهره برده و تاریخ اروپا و زبان خارجی را نیز از مبلغان مسیحی فراگرفت. برخی شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های او را متأثر از این اساتید دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

### ۱. بحران‌های داخلی

مرگ مادرش در سال ۱۸۳۸ و به قتل رسیدن آقا شمس‌الدین و عباس(پسر عموهایش) در سال ۱۸۹۶ م در جده، به دست کسانی که هرگز شناخته نشدن و همچنین کشته شدن هاشم‌شاه، برادرزاده وی به دست یکی از مباشران خانوادگی در پونا به سال ۱۸۹۷ م، آقاخان سوم را بسیار متأثر نمود.<sup>۵</sup>

او که در سال ۱۹۰۵ م برای دیدار پیروان خود به شرق افریقا رفته بود، بحران دیگری در هند در انتظار وی بود، چرا که از سوی چندتن از اعضای خانواده‌اش دادخواستی علیه او به دادگاه عالی بمبهی ارسال شد. آنان در این دادخواست بر چگونگی تقسیم ارثیه آقاخان اول و

۱. همان.

۲. «آقاخان»، همان، ص ۴۶۴.

۳. حاجی محمدعلی پیرزاده نائینی، سفرنامه، جزء اول، ص ۱۳۴.

۴. مصطفی غالب، اعلام‌الاسماعیلیه، ص ۵۹۲.

۵. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۲.

همچنین اموالی که به سبب احراز مقام امامت در اختیار آفاخان سوم بود، اعتراض داشتند. البته قاضی راسل پس از بررسی‌های وسیع، آفاخان سوم را وارث و صاحب اختیار هدایا و پیشکش‌های نزاریان و اموال و املاک باقیمانده از آفاخان اول دانست.<sup>۱</sup> این برای چندمین بار بود که دادگاه عالی بمبئی آفاخان‌ها را از بحران داخلی رهانیده بود، زیرا دستگاه قضایی هند که در اختیار قضات انگلیسی بود، در مقاطع و دعاوی متعدد و حتی در مسائلی چون قانون ارث در اسلام، سلسله امامت اسماعیلیه، حق تصرفات امام در اموال فرقه، اختلافات داخلی خاندان امام و ... که اطلاع و آگاهی کمتری هم به آن‌ها داشت، حکمی قاطعانه به نفع آفاخان‌ها داده بود که این نوع حمایت و جانبداری را می‌توان از بزرگ‌ترین کمک‌های انگلستان به شکل‌گیری و انسجام این فرقه و جلوگیری از انشعاب و اختلاف در امامت و اختیارات آن دانست. بر این اساس، آفاخان بعد از حکم دادگاه، مصمم شد یک سری اصلاحات فکری - مذهبی را انجام دهد،<sup>۲</sup> از این رو با تکیه بر جایگاه اجتماعی - مذهبی و حقوقی‌ای که دادگاه انگلیسی برای او فراهم آورده بود، اقدامات زیربنایی را برای استحکام قدرت دینی و مذهبی خود و جلوگیری از هر نوع تششت و اختلافی دیگر انجام داد.

در این بخش برای تبیین بهتر و شناختی جامع‌تر از اندیشه‌ها و افکار آفاخان سوم، رویکردهای او را در حوزه‌های مختلف، به طور جداگانه ذکر می‌کنیم.

## ۲. رویکردهای اجتماعی - فرهنگی

آفاخان سوم در طول امامت طولانی خود، سعی وافری در جهت تبدیل جوامع نزاری به جوامع متجدد و با شاخصه‌های بالای رفاهی، علمی، اجتماعی و اقتصادی نمود و از همه‌ توان اقتصادی و سیاسی خود در این راه بهره برد. از عواملی که او را در این هدف یاری می‌نمود می‌توان حمایت دولت بریتانیایی هند از وی و احکام دادگاه‌های بمبئی نام برد که به‌واسطه آن، جایگاه معنوی و مذهبی خاصی یافت. همچنین اختیارات و تصرفات اقتصادی او در اموال نزاریان و حذف رقبای داخلی و خانوادگی به بالاترین شکل، اعتبار و مشروعيت او را بالا برد.

۱. همان، ص ۵۹۳.

۲. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۲۷۶.

هم این طور جدا شدن خوجه‌های اثناعشری و سنی از او و تبعیت محض پیروانش که تضمین کننده اجرای اصلاحات وی بود، نقش بهسزاپی در حاصل شدن اهداف آفاخان داشت. گرچه ارتقای موقعیت اجتماعی - سیاسی او در میان مسلمانان هند مرهون تلاش‌ها و اقدامات او در جهت ارتقای جایگاه اجتماعی، علمی و سیاسی مسلمانان هند می‌باشد، ولی نمی‌توان مساعدت و نقش مهم دولت انگلستان را در تصدی این جایگاه، نادیده گرفت، زیرا انتصاب او به عنوان عضو مجلس قانون‌گذاری نایب السلطنه<sup>۱</sup> هند توسط لرد کرزن،<sup>۲</sup> فرمانروای هند و موافق مقامات انگلیسی با درخواست او به عنوان رئیس هیئت نمایندگی مسلمانان هند مبنی بر اختصاص کرسی مستقل برای ایالت‌های مسلمان‌نشین، نفوذ و اعتبار وی را در میان مسلمانان هند صد چندان کرد. انتخاب وی به عنوان رهبر حزب مسلم لیگ در گردهمایی مسلمانان در سال ۱۳۲۴ق/دسامبر ۱۹۰۶ در داکا،<sup>۳</sup> از پیامدهای چنین موققیت‌هایی بود.

به هر ترتیب، کمک‌های انگلستان به آفاخان در عهده‌دار شدن نقش‌های سیاسی نیز از طرف وی بی‌پاسخ نبوده و حاکمان انگلیسی هند توانستند از طریق وی فعالیت‌های حرکت‌های اسلامی را تحت نظر گرفته و حتی در موقع حساس، آن را هدایت کنند. برخی، انتقال رهبری مسلم لیگ را از «علیگره» به «لکھنو» توسط آفاخان، به توصیه فرمانروای هند و با هدف جلوگیری از اتحاد مسلمانان و هندوها در مقابله با انگلستان دانسته‌اند.<sup>۴</sup> همچنین عضویت وی در جامعه سلطنت‌طلبان حکومت انگلستان در هند،<sup>۵</sup> مهر تأییدی بر وفاداری او به انگلستان و پادشاهی آن تلقی می‌شد، از این رو زمینه‌سازی برای مطرح شدن وی به عنوان شخصیتی روشنفکر، سیاست‌مدار و رهبری مذهبی در میان مسلمانان هند، قبل از این‌که لطفی در حق آفاخان باشد، خدمتی برای تحکیم سلطه انگلستان بر هند دانسته می‌شود.

**آفاخان سوم** که به برکت معلمان انگلیسی و مراودات سنتی خاندان خود با حاکمان

۱ . Vicroy's Legislative council.

2 . Lord corzon.

۳ . «آفاخان»، همان، ص ۴۶۴.

۴ . همان.

۵ . همان، ص ۱۳۱.

انگلیسی، با دیدی جدید و فارغ از تقييدات فکری - فرهنگی و حتی مذهبی به جهان می‌نگریست، به تدریج همانند دیگر هندیان انگلیسی شده<sup>۱</sup> به انگلستان، به چشم وطن می‌نگریست هر چند که انگلستان در نظر بیشتر هندی‌ها و عموم پیروان آقاخان «جایگاه و سرچشمه صاحب‌ها و مم صاحب‌هایی است که می‌آیند تا بر هند حکومت کنند»<sup>۲</sup>. آقاخان که اینک احساس تعلق کمتری به هند می‌کرد با تدبیری خود را به زندگی و فرهنگ بریتانیایی نزدیک‌تر می‌نمود. بر همین اساس، برخی یکی از عوامل مهم بی‌رغبتی آقاخان را به زندگی با همسر اولش شاهزاده بیگم که خود وصلتی بین دو آدم نادان و بی‌گناه می‌دانست، فاصله فرهنگی - اجتماعی بین ایشان می‌دانند،<sup>۳</sup> زیرا او علاقه‌ای به دنیای فراخ منظری که آقاخان سوم بر آن معتقد بود، نداشت.

یکی دیگر از تدبیر آقاخان که نمود اجتماعی بیشتری در فاصله گرفتن از جامعه بومی هند و نزدیکی به غرب داشت، انتقال محل سکونت خود از محله هندی بمبئی به محله اروپایی این شهر بود. این انتقال، بیان‌گر تلاشی جدید برای فاصله گرفتن از هند و نزدیک شدن به غرب تلقی می‌شد، زیرا قاآن زمان دربار آقاخان در محله هندی‌ها قرار داشت و آقاخان اول و دوم نیز در این محله و در بین پیروان خود می‌زیستند، ولی سر سلطان محمدشاه در رویکرد جدیدش، خانه‌ای را در محله اروپایی بمبئی برای سکونت خود برگزید که در مهمنت‌ترین و با ارزش‌ترین منطقه این محله، یعنی تپه «مالایا» واقع شده و «آخر زمین» نام داشت.<sup>۴</sup>

یکی دیگر از اقدامات آقاخان سوم، تغییر ساختار فکری و اندیشه‌ای پیروان خود در بمبئی بود. او برای این مقصود، گروهی از پیروان سنتی خود را که تعاریف سخت‌گیرانه در مورد امام داشته و آقاخان را تحت فشار قرار می‌دادند (آن‌ها غالباً پیروان کرمانی، برده‌گان سیاه افریقا و نزاریان ایالت‌های مرزی شمال غربی هند را تشکیل می‌دادند) با کمک پلیس بمبئی و تشویق سر ویلیام لی وارنر در لندن، ولد نورث کوت، حاکم انگلیسی بمبئی، به خلیج فارس و

۱. همان.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.

مناطق کوهستانی و دور تبعید کرد.<sup>۱</sup> این تغییر دیدگاه و فاصله گرفتن از اندیشه‌ها و باورهای سنتی توسط سرسلطان محمدشاه به حدی بود که حتی دولتمردان انگلیسی را نیز دچار مشکل کرد، زیرا رهبری با نفوذ در میان مسلمانان منافع بیشتری برای ایشان داشت تا رهبری ورشکسته، چنان‌که لرد لامینگتون، حاکم بمئی نیز از بی‌توجهی آفاخان سوم به وجوب روزه بر مسلمانان بسیار متعجب و حتی متأسف بود.<sup>۲</sup>

### ۳. رویکردهای سیاسی

آفاخان سوم در هند به سبب توجه خاص خاندان سلطنتی بریتانیا به وی، جایگاه سیاسی ویژه‌ای داشت، چنان‌که لرد کرزن، نایب السلطنه هند در سال ۱۹۰۲م وی را به لحاظ ارتباطش با پادشاه انگلستان و دریافت نشان از او، به عضویت شورای قانون‌گذاری خود در آورد.<sup>۳</sup> ملاقات‌های وی با ملکه و ولی‌عهد انگلستان، ولی‌عهد ایران و سلطان عثمانی و دیگر مقامات سیاسی و دریافت نشان‌های مختلف، بر اهمیت و تکوین شخصیت سیاسی وی می‌افزود. با افزوخته شدن جنگ جهانی اول و پیام آفاخان سوم به پیروانش مبنی بر حمایت از منافع بریتانیا،<sup>۴</sup> اهمیت سیاسی وی برای امپراطوری بریتانیا دو چندان شد. جدیت حمایت آفاخان سوم از بریتانیا در جنگ جهانی اول به حدی بود که یکی از پسر عموهای وی به نام آفخرخ شاه که برای جلب حمایت نزاریان از متفقین به کرمان رفته بود، به تحریک عوامل آلمانی کشته شد. حتی خود آفاخان نیز هدف بعد تروریست‌های آلمانی در سال ۱۹۱۷م در سویس قرار گرفت.<sup>۵</sup> گرچه آن‌ها در این ترور، ناکام ماندند، ولی طرح ترور وی حاکی از اهمیت نقش او در حمایت از انگلستان می‌باشد.

آفاخان سوم پس از پایان جنگ جهانی اول، محل اقامت خود را سوئیس و «ریویرای»

۱. همان، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۴۲.

۳. مصطفی غالب، اعلام الاسماعلیه، ص ۴۶۹.

۴. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعلیه، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۵۹۵.

فرانسه قرار داد و به مدت ده سال از فعالیت‌های سیاسی مسلمانان هند کناره گرفت. رویکرد وی در جنگ جهانی دوم نیز تغییری نیافت؛ وی در این زمان نیز تمام پیروانش را به یاری انگلستان در جنگ فراخواند.<sup>۱</sup> «آفاخان همچنین در طلوغ جنگ جهانی دوم با رضاشاه مکاتبه داشت و در ۱۳۶۰ق/۱۹۴۱م برای جلوگیری از سقوط او، کمی قبل از اشغال ایران توسط متفقین، طی تلگرافی از سوئیس وی را تشویق به مداخله در جنگ به سود متفقین کرد».<sup>۲</sup> عادی‌سازی روابط پادشاهان ایران، به خصوص در دوره پهلوی به مرحله‌ای از رونق رسید که در سال ۱۳۶۸ق/۱۹۴۹م با درخواست وی برای تابعیت ایران از طرف محمدرضا پهلوی موافقت شده و حتی مفتخر به لقب «حضرت والا» از سوی شاه ایران شد.<sup>۳</sup> البته می‌توان یکی از عوامل تقویت روابط با سلسله پهلوی را علاوه بر منافع و مصالح سیاسی، همگرایی در برخی از اندیشه‌ها دانست. برای مثال، آفاخان سوم در عرصه سیاسی، نظریه جدایی دین از سیاست را ترویج نموده و معتقد بود:

سیاست از مذاهب باید جدا باشد و فکر من این است که اتحاد ممالک مسلمان دنیا، روی تعلیم و تربیت و اقتصادیات باشد و بس.<sup>۴</sup>

بر این اساس، وی رضاخان پهلوی و تغییرات فکری - فرهنگی و اجتماعی او را در ایران چنین توصیف می‌کرد:

دوره جدید ایران شروع شده است و در تحت نظر رضاشاه که مردی سیاسی و صاحب نفوذ و قدرت و تدبیر است، حکومت ایران به زودی ترقی خواهد کرد.<sup>۵</sup> در سال ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰ نیز آفاخان ریاست نخستین کنفرانس هیئت مسلمانان و آینده هند را عهده‌دار شد.<sup>۶</sup> این کنفرانس تا سال ۱۹۳۲م و به صورت سالانه برگزار می‌شد که

۱. «آفاخان نه فقط قدرت و ثروت خود و همکیشانش را در اختیار متفقین گذاشت، بلکه خود، داوطلب شد تا مانند یک سرباز عادی داوطلبانه در جنگ شرکت کند» (محسن ساعی، آفاخان محلاتی و فرقه اسماعیلیه، ص ۷۷).

۲. همان.

۳. میثم تارم، همان، ص ۹۶.

۴. همان، ص ۹۸ و محسن ساعی، همان، ص ۱۱۰.

۵. میثم تارم، همان، ص ۹۶.

۶. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۵-۵۹۶.

آفاخان در آن حضوری فعال داشت.

با انتخاب او به عنوان نماینده هند در کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۳۲م و ریاست هیئت نمایندگی هند در جامعه ملل از ۱۹۳۴-۱۹۳۷م و انتخابش به عنوان ریاست جامعه ملل در سال ۱۹۳۷م<sup>۱</sup> وی پا به عرصه بین‌المللی گذاشت.<sup>۲</sup>

### آفاخان و نمایندگی مسلمانان

از دیگر آثار حمایت دولت انگلستان از آفاخان، مطرح شدن وی به عنوان الگویی برای گروه‌های مختلف اسلامی در هند و خارج از هند بود، چراکه آفاخان نه تنها به عنوان یک مسلمان، بلکه به عنوان رهبر و امام حاضر فرقه‌ای اسلامی، روابط عمیق و دوستانه‌ای با انگلستان داشت؛ روابطی که نه تنها از آن ابایی نداشت، بلکه به آن افتخار نیز می‌کرد:

آفاخان سوم تنها مسلمانی بود که در جشن‌های بیست و پنجمین سال سلطنت ویکتوریا به عنوان نماینده مسلمانان غرب هند سخنرانی کرد و با آنکه هنوز شانزده سال بیشتر از سنی گذشت به ملکه اطمینان داد که به همان اندازه که پدر بزرگش به تاج و تحت انگلستان وفادار بود و در میدان‌های جنگ سند و افغانستان برای آن جنگید، وی به ملکه وفادار خواهد بود.<sup>۳</sup>

این کارکرد آفاخان برای انگلستان در مقاطع مختلف برای سیاست‌ها و رویکردهای منطقه‌ای و حتی جهانی راه‌گشا بود، چراکه آفاخان به عنوان رهبری دینی، در جنگ جهانی اول و دوم پیروان خود را به حمایت از انگلستان فراخواند و در این راه از بذل جان و مال و اعتبار دینی و اجتماعی اش دریغ نکرد. وفاداری وی به انگلستان در جنگ جهانی اول به حدی بود که او را در مقابل امپراتوری عثمانی قرار داد. برای نمونه، وی به سبب بسیج مسلمانان هند علیه مسلمانان عثمانی و مخالفت با حکم جهاد دولت عثمانی، در مذاکرات مصر بالاترین مقامی راکه یک هندی می‌توانست از دولت انگلیس دریافت کند، کسب کرد و

۱. محمدحسن حسینی، همان، ص ۲۷، مقدمه.

۲. مصطفی غالب، اعلام‌الاسماعیلیه، ص ۴۷۵.

۳. محمدسعید بهمن‌پور، اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۳.



به احترام ورودش به انگلستان در پایان جنگ جهانی، یازده گلوله توب شلیک شد.<sup>۱</sup> اشتیاق آفاخان برای خدمت به ولی نعمت خود به حدی بود که می‌گفت:

... به من فرصت دهید تا آخرین قطره خونم را برای امپراطوری نثار خواهم کرد.<sup>۲</sup>

در جنگ جهانی دوم نیز - چنان‌که پیش از این گفته شد - آفاخان سوم، در فرامینی، پیروان خود را در اقصا نقاط جهان به حمایت از انگلستان و متفقین فراخواند. در یکی از این فرامین که به شورای اسماعیلیه نایرویی ارسال شده آمده است:

وظیفه ما آن است که با روح و دل در راه موقیت اعلیحضرت پادشاه امپراطور همکاری کنیم...<sup>۳</sup>

در عرصه داخلی هند نیز انگلستان اقدامات متعددی را برای معرفی وی به عنوان نماینده مسلمانان هند انجام داد که انتخاب وی به عنوان یکی از اعضای شورای قانون‌گذاری هند در سال ۱۹۰۲م،<sup>۴</sup> همچنین ریاست نخستین هیئت مسلمانان و آینده هند در سال ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰م<sup>۵</sup> و ملاقات‌های ولیعهد انگلستان با وی در هند، همگی حاکی از معرفی وی به عنوان نماینده و سخن‌گوی مسلمانان هند می‌باشد، در حالی که وی با استقلال هند از انگلستان و حتی استقلال پاکستان از هند موافق نبوده و حتی در سال‌های مقاومت و تحریم کالاهای انگلیسی، جامعه مسلمانان و بومی هند را همراهی نکرد.<sup>۶</sup>

جانب‌داری آفاخان از انگلستان در مناقشات داخلی هند آن‌چنان برای مردم و نخبگان هندی مسلم بود که نمایندگی وی از مردم هند در رفع مناقاشاتشان با انگلستان بسیار شگفت‌انگیز و حتی مضحك بود، به‌طوری که جواهر لعل نهره در باره نامزدشدن آفاخان برای دفاع از مردم هند چنین می‌نویسد:

در مجمعی که صاحبان منافع مختلف از امپریالیست و فئودال و سرمایه‌دار و صاحبان صنایع و مذهبیون و ارباب اجتماع حضور داشتند مناسب بود که ریاست

۱. همان، ص ۳۵۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. مصطفی غالب، *اعلام الاسماعیلیه*، ص ۴۶۹.

۵. فرهاد دفتری، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ص ۵۹۶-۵۹۵.

۶. سعید بهمن‌پور، همان، ص ۳۵۵.

هیئت هندی انگلیسی با آفاخان باشد که از قضا خود شخصاً همه این منافع را تا حدی دارد است. البته با رابطه نزدیکی که وی برای بیش از یک نسل با امپریالیسم انگلیس و طبقه حاکم انگلستان داشته و غالباً در انگلستان مقیم است، او می توانست به خوبی دیدگاهها و منافع حاکمان ما را تأمین کند و نماینده خوبی برای امپریالیسم انگلستان می شد. تنها ایراد کار این بود که آفاخان قرار بود که در آن میزگرد، نماینده هندوستان باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴. انتقال مرکز امامت از هند به اروپا

اولین سفر سلطان محمد شاه حسینی(آفاخان سوم) به اروپا در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۸م صورت گرفت. وی در این سفر، از فرانسه و انگلستان دیدن نمود و با ملکه ویکتوریا و ادوارد هفتم، ولیعهد وی در قصر «ویندسور» ملاقات کرد.<sup>۲</sup>

دومین سفر او به اروپا در سال ۱۹۰۰م انجام شد و در آن به مظفرالدین شاه، ولیعهد شاه قاجار در پاریس ملاقات نمود. همچنین در این سفر با قیصر ویلیم دوم در «پوتسدام» و سلطان عبدالحمید دوم، امپراتور عثمانی در «استانبول» ملاقات کرد.<sup>۳</sup> این سفر به لحاظ ملاقات هایی که در آن انجام شد از حساس ترین سفرهاییش به شمار می رود، چرا که مظفرالدین شاه، ولیعهد ایران با چشم پوشی از سوء پیشینه آفاخان ها در ایران، با وی ملاقات نموده و حتی وی را مفتخر به دریافت بالاترین نشان حکومتی ایران، «شمس الهمایون» و هدایای گران بها می نماید.<sup>۴</sup> همچنین ملاقات وی با عبدالحمید دوم امپراتور عثمانی که خود را خلیفه مسلمانان و وارث خلافت عباسی می دانست، اولین ملاقات امام اسماعیلی با یک خلیفه از اهل تسنن بود.

آفاخان سوم در سال ۱۹۰۲م در مقام مهمان ویژه به جشن تاج گذاری ادوارد هفتم، پادشاه

۱. همان، ص ۳۵۶.

۲. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۹۳.

۳. همان.

۴. میثم تارم، همان، ص ۹۷.

#### د) آقاخان چهارم، پرنس کریم (۱۹۳۶ق/۱۳۵۴م)

پرنس کریم آقاخان در سیزدهم دسامبر ۱۹۳۶ در ژنو به دنیا آمد. وی فرزند پرنس علی شاه و نوه آقاخان سوم (سرسلطان محمدشاه) بود. و بنا به وصیت‌نامه او که در سال ۱۹۵۵م

۱. محمدحسن حسینی، همان، ص ۲۷، مقدمه.

۲. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماععیلیه، ص ۵۹۳.

۳. همان، ص ۵۹۴.

۴. «آقاخان»، همان، ج ۱، ص ۴۶۵.

۵. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماععیلیه، ص ۶۲۰ و سایت [WWW.imamjavad.net](http://WWW.imamjavad.net).

۶. محمدحسن حسینی، همان، ص ۲۵.

۷. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماععیلیه، ص ۶۲.

۸. میثم تارم، همان، ص ۱۰۸.

جدید انگلستان دعوت شد<sup>۱</sup> و به وسیله پادشاه جدید، از مرتبه شهسواری به مقام بزرگ شهسوار فرمانده امپراطوری هند ارتقا یافت.<sup>۲</sup> همچنین وی در سال ۱۹۰۴م چهارمین سفر خود را به اروپا انجام داد و از سال ۱۹۰۷م به بعد هر سال، سفری به اروپا داشت و در نهایت، اقامتگاه خود را به اروپا منتقل ساخت.<sup>۳</sup>

در نهایت، سلطان محمدشاه آقاخان سوم در ۱۳ ذیحجه ۱۳۷۶/ژوئیه ۱۹۵۷ و در سن هشتاد سالگی در ولای خود در «ورسو» ژانو پس از ۷۲ سال امامت درگذشت<sup>۴</sup> و در مقبره «اسوان» که در مصر و مشرف بر رود نیل است به خاک سپرده شد.<sup>۵</sup>

آقاخان سوم دو پسر داشت. پسر بزرگ او علی خان نام داشته و متولد ۱۳ ژوئن ۱۹۱۰ بود. وی افسر نظامی ارتش بریتانیا بود و در جنگ جهانی دوم در ارتش فرانسه، بریتانیا و امریکا در خاورمیانه خدمت کرد.<sup>۶</sup> پس از پایان جنگ به نمایندگی دولت پاکستان در سازمان ملل متحد انتخاب شد. او در سال ۱۹۶۰م بر اثر حادثه رانندگی در فرانسه درگذشت و در مقبره دائمی اش در سلمیه سوریه دفن شد.<sup>۷</sup>

فرزند دیگر سلطان محمدشاه، پرنس صدر الدین، متولد سال ۱۹۳۳م بود. وی توانست ریاست کمیته پناهندگان سازمان ملل را عهده‌دار شود. تأسیس کرسی تحقیقات ایران‌شناسی در دانشگاه هاروارد نیز از دیگر اقدامات او می‌باشد.<sup>۸</sup>

تنظیم شده بود، پرنس کریم شاه در یازدهم جولای ۱۹۵۷، در سن بیست سالگی به مقام آقاخان چهارم و امام شیعیان نزاری معین گردید.<sup>۱</sup>

او دوران کودکی خود را در نایرویی، پایتخت کنیا، سپری کرد و تحصیلات خود را ابتدا در سوئیس به مدت نه سال و بعد از آن در دانشگاه هاروارد امریکا، در رشته تاریخ اسلام تا مقطع لیسانس ادامه داد و موفق به اخذ مدرک ممتاز لیسانس از این دانشگاه شد.<sup>۲</sup>

در دوران امامتش که قریب به پنجاه سال به طول انجامید، تحولات عظیمی در تمامی حوزه‌های فکری - سیاسی و اقتصادی جامعه نزاریان پدید آمد و دوران امامت وی را می‌توان دوران طلایی اسماعیلیان نزاری دانست، چراکه او با تأسیس مؤسسات و شبکه‌های بین‌المللی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ اقتصادی و فرهنگی، نه تنها جوامع نزاری، بلکه مناطق نزاری نشین، دولتمردان و حتی فرقه‌های اسلامی آن مناطق را تحت تأثیر خود قرار داد.

اسماعیلیان نزاری که غالب عمر تاریخی خود را در انزوا و تقیه به سر می‌بردند و تنها با پناه گرفتن در دژها و انجام تورهای وحشت‌انگیز به حیات خود ادامه می‌دادند، اکنون، حکومت و امامت کسانی را پذیرفته بودند که در صحنه‌های گوناگون بین‌المللی، تأثیرگذار بوده و تصمیماتشان در جنگ‌های بین‌المللی، استقلال و استعمار کشورها و خلاصه در معادلات و روابط سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی سرنوشت ساز بود.

اگر چه ورود خاندان آقاخان‌ها به سازمان‌ها و مجتمع بین‌المللی از زمان سرسلطان محمدشاه آغاز شد، ولی بعد از او به اوج خود رسید که به بخشی از این مناصب بین‌المللی که به وسیله این خاندان اداره می‌شد، اشاره می‌کنیم:

۱. سرسلطان محمدشاه، ریاست اتحادیه بین‌المللی را که به دست فاتحان جنگ جهانی اول تشکیل شده بود، عهده‌دار شد.

۲. پرنس علی خان (پدر آقاخان چهارم)، سفیر پاکستان در سازمان ملل و سفیر پاکستان در آرژانتین بود.

۳. پرنس صدرالدین آقاخان (عموی آقاخان چهارم)، نماینده عالی رتبه سازمان ملل در

۱. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۶۲۰.  
۲. همان.

امور پناهندگان و همچنین هماهنگ کننده برنامه‌های سازمان ملل برای کمک به افغانستان و نماینده اجرایی سازمان ملل در مناطق مرزی عراق بود.

۴. پرنس امین (برادر آفاخان چهارم)، بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه هاروارد، در سال ۱۹۶۵ در بخش روابط اقتصادی و اجتماعی دبیرخانه سازمان ملل وارد شد.

۵. پرنسس زهرا (اولین فرزند آفاخان چهارم)، در سال ۱۹۹۴ م تحصیلات خود را در رشته مطالعات کشورهای در حال توسعه به پایان رساند و موفق به دریافت مدرک لیسانس با درجه ممتاز از دانشگاه هاروارد ایالات متحده امریکا شد که هم‌اکنون مسئولیت هماهنگی سازمان‌های خاص اجتماعی امامت را بر عهده دارد.

۶. پرنس رحیم (پسر ارشد آفاخان چهارم) از دانشگاه براون ایالات متحده فارغ‌التحصیل شد و مسئولیت سازمان‌های توسعه‌ای و اقتصادی بین‌المللی تشکیلات امامت را بر عهده دارد.

۷. پرنس حسین (پسر کوچکتر آفاخان چهارم) در سال ۱۹۹۷ م از دانشگاه ویلیامز ایالات متحده فارغ‌التحصیل شد و در بخش فعالیت‌های فرهنگی شبکه جهانی آفاخان مشغول به کار می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. رویکردهای فکری و فرهنگی

شاید طبیعی دانستن مطرح شدن آفاخان‌ها در جایگاه شخصیتی مذهبی، مصلحی اجتماعی، سیاستمداری صلح طلب و حتی فیلسوفی واقع‌نگر، بسیار ساده‌لوحانه و کوتاه‌بینانه باشد، چرا که مؤسس این فرقه، حرکت خود را با شورش در ایران آغاز نمود و حمایت‌های امامان این فرقه از بریتانیا در مقابله با مبارزات استقلال طلبانه مردم هند و حتی اعلام حمایت از بریتانیا در جنگ علیه امپراطوری عثمانی، اتصاف این خاندان به تدین، صلح طلبی و شایستگی را دچار خلل و چالش کرد.

می‌توان حمایت دولت‌های توان‌گر جهانی از این خاندان و ایجاد مشروعیت و مقبولیت را برای آن‌ها به وسیله عضویت در مجتمع بین‌المللی و در اختیار قرار دادن فرصت‌های کلان اقتصادی، با هدف الگوسازی برای ملت‌ها و نخبگان مسلمان و به حاشیه راندن حرکت‌های

1. [WWW.iis.ac.uk/view](http://WWW.iis.ac.uk/view).

روشنگرانه و برگرفته از مبانی و آموزه‌های حقیقی اسلامی دانست.<sup>۱</sup> انتخاب فرقه اسماعیلیان، به سبب دارا بودن ویژگی‌هایی چون باطن‌گرایی و تأویل نصوص و رها کردن ظواهر دین، بهترین گزینه برای رسیدن به این هدف می‌باشد، چرا که فرقه‌های باطن‌گرا بسیار منعطف بوده و هر آموزه و مفهومی را هر چند متعارض با نصوص دینی، به تأویل برد و توجیه و تفسیر می‌نمایند<sup>۲</sup> و حتی از آن به اسم هدف و غایت آن نصوص یاد می‌کنند. از این رو، رهبران این فرقه، هیچ‌گونه تضاد و تعارضی بین مکاتب و آموزه‌های غربی با تعالیم و نصوص اسلامی نمی‌شناسند و اساساً فروع دینی و احکام فقهی را لازم الاجرا در تمام زمان‌ها ندانسته و به اصل تساهل و تسماح در تمام حوزه‌های فکری - مذهبی و اجتماعی توجه می‌کنند. از این رو، گروهی آقاخانیان را استمرار امامت اسماعیلی ندانسته و گروهی دیگر، ایشان را فرقه و مذهبی جدید التأسیس و هم‌سنگ بهائیت و بایتیت می‌دانند.<sup>۳</sup>

اسماعیلیه در قرن‌های اخیر، دیگر آن گروه سرکش و طاغی که در کوه‌ها و غارها سنگر می‌گرفتند و با ترورهای مخفیانه خویش رعب بر دل مخالفان خویش می‌افکنندند، نیستند، بلکه دستور کار خود را بر مبنای انطباق با محیط و تغییرات تاریخی نهاده‌اند. اما نکته قابل تأمل آن‌که هم‌زمانی قدرت گرفتن و گسترش اسماعیلیان در قرن اخیر با بروز و ایجاد فرقه‌های استعماری بهائیت و بایت در ایران مصادف بوده است که این مسئله، نزدیکی شعارها و آموزه‌های بهائیت و

۱. «تجربه نشان داده است که غرب برای به حاشیه راندن و تضعیف انگیزه‌ها و حرکت‌های اسلامی، از سیاست موازی‌سازی و ایجاد تفرقه مذهبی و قومی استفاده کرده است. و می‌توان انتظار داشت غرب مجددًا از این حربه در جهت مقابله با امواج شیعی در منطقه استفاده نماید. تلاش شبكه آقاخان برای نفوذ در ایران به دلیل قوت و قدرت اندیشه شیعی اثناعشری و حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران، همواره با ناکامی مواجه شده است، اما به نظر می‌رسد بازیگران عرصه بین‌الملل، به خصوص انگلستان، برای به حاشیه راندن جریان اصلی شیعه در منطقه که نشانه‌های خیزش آن در عراق نیز به چشم می‌خورد، از فرقه اسماعیلیه و شبکه آقاخان استفاده خواهند کرد.» ([www.sharifnews.com](http://www.sharifnews.com)).

۲. یک خبرنگار آلمانی ملاقات خود با آقاخان را چنین گزارش می‌دهد: «در همین ملاقات که آقاخان زیاد مشروب الکلی می‌نوشد، از او سؤال می‌شود چگونه به خود اجازه می‌دهید که به عنوان یک مسلمان الكل بنوشید؟ آقاخان جواب داد: در دستان من - بهسان خدا - این لیوان شامپانی (شراب مورد علاقه وی) تبدیل به آب می‌شود. (وی) باگفتن به سلامتی، شامپانی را سرکشید» (میثم تارم، همان، ص ۱۰۶).

۳. [www.sharifnews.com](http://www.sharifnews.com).

اسماعیلیان مدرن را کاملاً محسوس می‌کند. شایان ذکر است که امام فعلی این فرقه، پرنس کریم آفاخان، چهل و نهمین امام نزاریان، ارتباط نزدیکی با دولت انگلیس و رژیم اسرائیل دارد.<sup>۱</sup>

امامان آفاخانی برای رهایی از این اتهامات به تقویت جایگاه فرهنگی - مذهبی خود و پررنگ نمودن نقاط مشترک خود با دیگر مذاهب پرداختند که به نمونه‌ای از این تمهدات اشاره می‌شود: اول: تأکید بر وابستگی نسی خود به پیامبر اسلام؛ چنان‌که آن‌ها در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های رسمی، خود را امامان شیعیان اسماعیلی و از نسل فاطمه زهراء(س) معرفی می‌نمایند.<sup>۲</sup> ایشان به طرق مختلف سعی در پررنگ کردن ریشه‌های مذهبی خود می‌نمایند، مانند وصیت به دفن شدن در شهرهایی که بیان‌گر هویت فکری - مذهبی ایشان است، هم چون نجف اشرف، قاهره و سلمیه؛<sup>۳</sup>

دوم: تکیه بر خلافت فاطمیان در مصر به عنوان پیشینه تاریخی خود؛ به طوری که ایشان تأسیس دانشگاه الازهر و دارالعلم قاهره را از افتخارات خود دانسته و خود را وارثان این تمدن و خلافت معرفی می‌نمایند؛

سوم: نگارشی جدید از تاریخ آفاخانیان؛ آنان در تبیین پیشینه و سوابق سیاسی - اجتماعی و فرهنگی خویش، گزارش جدیدی از خود ارائه می‌دهند؛ گزارشی که در آن از شورش‌ها و جنگ و گریزهای آفاخان اول سخنی به میان نیامده و گویا ایشان شخصیت‌هایی دنیاگریز و سیاست‌گریز بوده‌اند و هیچ‌گاه برای مطامع پست دنیوی از اصول و اندیشه‌های انسانی و فکری خود عدول نکرده و دست در دست استعمارگران و متاجوزان ننهاده‌اند.

برای تبیین بیشتر تفکرات و ایده‌های پرنس کریم‌شاه، آفاخان چهارم، به گزیده‌ای از سخنان وی که در سایت مؤسسه مطالعات اسماعیلی وی منعکس شده است، اشاره می‌کنیم: از دیدگاه حضرت والا آفاخان، اسلام مکتبی، مبتنی بر تعلق و ایمان قلبی است، مکتبی که شالوده آن گذشت، تساهل و ارج نهادن به مقام والای انسان، یعنی

۱. همان.

2. [www.iis.ac.uk/view](http://www.iis.ac.uk/view).

۳. سلمیه، مرکز رهبری و سازمان‌دهی داعیان اسماعیلی در قرن سوم بوده و عبیدالله المهدی (مؤسس خلافت فاطمی) حرکت خود را این منطقه آغاز نمود. این شهر در سوریه فعلی واقع است.

مخلوقات خداوند است.

تعلیمات آخرین پیامبر خدا، در تلاش برای پیدا کردن راه حل‌های تازه برای مسائلی که با روش‌های سنتی آن زمان، قابل حل نبودند، می‌تواند سرمشقی الهام بخش برای مسلمانان باشد تا بتوانند بدون آنکه در اصول بنیادی اسلام، خدشهای وارد شود به پدید آوردن جامعه‌ای واقعاً مدرن و پویا بیندیشند.

#### ۱-۱. گروه رسانه‌ای آفاخان

این گروه رسانه‌ای شامل سه روزنامه، دو هفت‌نامه، یک شبکه تلویزیونی «Nation»، گروه رسانه‌ای «نیشن» و یک شبکه رادیویی که در افریقای شرقی و منطقه مدیترانه است، به جذب مخاطب و اشاعه آموزه‌های اسماعیلی می‌پردازد.

هدف از تشکیل این شبکه رسانه‌ای عبارت است از:

الف- تقویت جامعه مدنی، توسعه روستایی، آموزش زنان و دختران و ...؛

ب- شناسایی و جذب نخبگان کشورهای مسلمان و ارائه بورس تحصیلی با هدف جهت‌دهی فکری به کشورهای مسلمان و تطابق‌پذیری فرهنگی و اجتماعی این کشورها با اقتصادیات تمدن جدید غرب؛<sup>۱</sup>

#### ۱-۲. مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن

این مؤسسه در سال ۱۹۷۷ م با هدف ترویج و گسترش و صیانت از آموزه‌های اسماعیلی در حوزه‌های مختلف علمی در لندن تأسیس شد. شاید بتوان هدف اصلی از تأسیس این مرکز علمی را تلفیق آموزه‌های اسلامی با تمدن جدید غرب دانست؛ هدفی که ایشان، بارها به آن تصریح نموده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲-۱. برخی از برنامه‌ها و طرح‌های مؤسسه

۱. دوره آشنایی با زبان عربی در دمشق: این دوره از برنامه‌های تحصیلات تكمیلی در

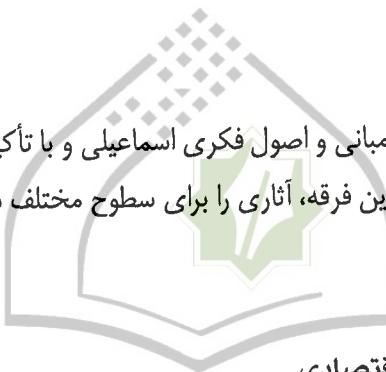
1 . [www.iis.ac.uk/view](http://www.iis.ac.uk/view).

## مطالعات اسلامی و علوم انسانی مؤسسه می‌باشد:

۲. همکاری در برگزاری کارگاه آموزشی تفسیر باطنی قرآن، با بنیاد علمی اروپا (ESF) در دانشگاه کمبریج انگلستان؛
۳. برگزاری برنامه تابستانی اسلام در دانشگاه مکنیل مونترال کانادا؛
۴. برگزاری سمینار علمی با موضوع گرایش‌های مختلف در اندیشه معاصر مسلمانان؛
۵. تشکیل گروه‌های منطقه‌ای فارغ التحصیلان.

## ۲-۲-۱. انتشارات مؤسسه

این مؤسسه که بر اساس مبانی و اصول فکری اسماعیلی و با تأکید بر اصلاحات به وجود آمده است، به وسیله رهبری این فرقه، آثاری را برای سطوح مختلف سنی مخاطبان به چاپ رسانده است.<sup>۱</sup>



## ۲. رویکردهای اجتماعی و اقتصادی

آفاخان چهارم با رویکردی جدید، اهتمام خاصی به سطح علمی - اقتصادی و اجتماعی پیروان خود دارد و در این راستا با تأسیس و حمایت بیش از سی صد مرکز و مؤسسه علمی - اقتصادی و فرهنگی و خدماتی در پی رسیدن به هدف خود گام برمی‌دارد که به بخشی از مؤسسات و مراکز تحت حمایت وی اشاره می‌کنیم:<sup>۲</sup>

- الف - مدرسه بازرگانی آفاخان در دارالسلام؛
- ب - دانشگاه آفاخان به همراه دانشکده پزشکی و مدرسه پرستاری در کراچی؛
- ج - بنیاد آفاخان که از برنامه‌های مختلفی در زمینه‌های آموزشی، خدماتی و بهداشتی حمایت مالی می‌کند. این بنیاد در سال ۱۹۶۷م تأسیس شده و با سی سازمان ملی و بین‌المللی همکاری دارد؛
- د - احداث شش بیمارستان عمومی در کشورهای آسیایی و افریقا؛

۱. همان.  
۲. همان.

ه- سازمان ترویج خدمات صنعتی که در سال ۱۹۶۳ م تأسیس شد و در کانادا و چند کشور افریقایی و آسیایی به فعالیت مشغول است. این سازمان بیش از یکصد طرح را در زمینه های مختلف اقتصادی از نساجی تا جهانگردی، اجرا می کند و باعث ایجاد ده هزار فرصت شغلی شده است؛

و- مؤسسه فرهنگی آفاخان در ژنو؛

ز- جایزه بزرگ معماری آفاخان که از سال ۱۹۷۶ م تا به حال برگزار می شود؛

ح- صندوق توسعه اقتصادی آفاخان.<sup>۱</sup>

#### ۲- شبکه توسعه اقتصادی آفاخان (AKDN)

این شبکه از گسترده ترین شبکه های اقتصادی جهان می باشد که برای رسیدن به اهداف اجتماعی - فرهنگی و بعضی سیاسی طراحی شده است. این شبکه با محوریت شخص آفاخان، طرح های اقتصادی، خدماتی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی را در اقصا نقاط جهان به اجرا در می آورد. آفاخان هدف از تأسیس شبکه اقتصادی را «بهبود شرایط زندگی و ایجاد فرصت های مناسب در مناطق خاصی از دنیا در حال توسعه معرفی نموده» و جهت گیری پژوهه های این شبکه را «تأمین منافع مشترک تمام شهروندان، صرف نظر از ملیت و مذهب آن ها» بیان داشته است.<sup>۲</sup>

کارمندان این شرکت ها در حال حاضر، هجده هزار نفر و سرمایه آن بیش از یک و نیم میلیارد دلار تخمین زده می شود. این شبکه، همکاری گسترده ای را با شرکت های دولتی و خصوصی بین المللی برقرار نموده که این همکاری ها بر اعتبار این شرکت در عرصه بین المللی خواهد افزود. برخی از همکاران بین المللی این شبکه عبارت اند از: بنیاد «راکفلر»، بنیاد «فورد»، شرکت «مایکروسافت»، بنیاد «شل»، دانشگاه «هاروارد»، شرکت های «الکاتل»، «بوئینگ»، صندوق توسعه اجتماعی ژاپن، بانک «سکوشیای» کانادا، سازمان تعاون کلیسا های هلند و وزارت تعاون و توسعه اقتصادی آلمان.

برخی از پژوهه ها و طرح های در حال اجرای شبکه توسعه اقتصادی آفاخان عبارت است از:

۱- تأمین مالی پروژه پارک شهری الازهر: پارک الازهر در قاهره با سی هکتار مساحت،

۱. همان.

۲. همان.

## نتیجه

گرچه گروهی از محققان در آثار خود سعی در تطهیر تاریخ این فرقه نموده و از آقاخان‌ها در جای تاریخ هند و ایران به عنوان مصلحان اجتماعی و رهبران دینی یاد کرده<sup>۳</sup> و تعارضات و تحركاتشان را تیجه حسادت و دشمنی علمای اثناعشری<sup>۴</sup> و دسیسه درباریان<sup>۵</sup> دانسته‌اند، و در مقابل، گروهی دیگر، رهبران این فرقه را ناخدايانی معرفی کرده‌اند که بر موج جهالت و نادانی و عقب‌ماندگی پیروان خود، کشتی امیال و خواسته‌های خود را روان ساخته و به ساحل کامیابی رسیده‌اند<sup>۶</sup> ولی آن‌چه را می‌توان به عنوان حقیقتی فارغ از خوشبینی‌ها و بدینی‌ها مطرح ساخت، این است که امامان قاسم شاهی در دوره بازیابی حیات مذهبی خود در انجдан، تشکیل حکومت هر چند کوچک را وسیله‌ای مناسب برای دست‌یابی به هدف خود یافتند. این هدف در دوران حاکمان زندیه با بذل مال و ایجاد روابط خویشاوندی برای مدتی کام ایشان را شیرین نموده، ولی در دوره قاجار و به خصوص بعد از مرگ فتحعلی‌شاه و شروع رقابت‌های شاهزادگان و حتی صوفیان دربار و ورود ناخواسته آقاخان در این رقابت‌ها، دست‌یابی به حکومت کرمان، که امامان قاسم شاهی، سال‌ها آرزوی آن را داشتند ناممکن‌تر

۱ . [www.sharifnews.com](http://www.sharifnews.com).

۲ . همان.

۳ . فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماععیلیه، ص ۵۹۰ و ۵۹۴.

۴ . همان، ص ۵۷۳ و ۵۷۵.

۵ . همان، ص ۵۷۹.

۶ . ماهر بوس، همان.

شد. در این مقطع، امامان این سلسله با اتخاذ رویکردهای مختلف از سیره گذشته، استفاده از فرصت‌ها و هر موقعیتی که آن‌ها را به هدف نزدیک‌تر کند، در پیش گرفتند. تمسک به جعل احکام دولتی و بهره‌برداری از بحران‌های داخلی و خارجی دولت مرکزی، برقراری روابط با قدرت‌های متخاصم و بهره‌مندی از حمایت آن‌ها، استفاده از قابلیت‌ها و ویژگی‌های دینی و اجتماعی خود برای نزدیکی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نخستین گام‌های ایشان در عرصه سیاسی- اجتماعی بود. این رویکرد که توانسته بود جایگاه متنفذی را در میان دولت‌مردان انگلیسی برای ایشان ایجاد کند به تدریج در عرصه بین‌المللی نیز خودنمایی نمود، چنان‌که بیانیه آقاخان سوم در جنگ جهانی اول و فراخوانی پیروانش در اقصا نقاط جهان به حمایت از منافع بریتانیا، و موضع‌گیری‌هایش در مورد امپراطوری عثمانی و کشورهای اسلامی، نقش آفرینی‌اش به عنوان رئیس مجمع جهانی و ... همگی قدم‌هایی بودند که آقاخان سوم در عرصه بین‌المللی تجربه می‌نمود. البته این روند جهانی در دوره زمامداری کریم آقاخان (آقاخان چهارم) بیشتر در عرصه‌های علمی - فرهنگی و اقتصادی متمرکز بود و کمتر در عرصه‌های سیاسی بروز و نمود داشت.

خلاصه این‌که پیدایش این فرقه را می‌توان معلول چند عامل دانست که مهم‌ترین آن‌ها استفاده رهبران و نخبگان این فرقه از فرصت‌هایی بود که بحران‌های داخلی و خارجی کشورها برای ایشان مهیا می‌ساخت، چنان‌که سید ابوالحسن خان (جد آقاخان) که در کرمان به آقای مطلق شهرت داشت، ابتدا به مقام بیگلریگی کرمان منصوب شد، ولی بعد «با استفاده از هرج و مرج زندیه و قاجار برای خود حکومتی تشکیل داد». <sup>۱</sup> گویا اوضاع نابسامان سیاسی، همیشه برای رهبران این فرقه، منشأ خیر و برکت بوده است. همین طور آقاخان اول نیز از اوضاع متشنج ایران که به لحاظ تعراضات دولت بریتانیا در مناطق افغانستان و پاکستان کنونی پدید آمده بود، قصد دست‌یابی به حکومت کرمان را داشت و به رغم قشون کشی‌ها و درگیری‌هایی که با حاکمان مناطق و قشون دولتی داشت از دست‌یابی به هدفش بازماند. این مسلک ائمه نزاری قاسم‌شاهی بعد از فرار از ایران نیز مورد توجه‌شان بود. بر این اساس، جنگ‌های دولت بریتانیا در مناطقی چون هرات، کابل، سند و بلوچستان با سرداران و دولت‌های محلی، فرصتی را برای بزرگان این فرقه به وجود آورد که از آن به بهترین وجه

۱. میثم تارم، همان، ص ۱۲ و فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسلامیه، ص ۲۶۷.

بهره بردن، چرا که ایشان در انتظار عمومی به عنوان نمایندگان دولتمردان غالب و فاتح بریتانیا، و نزد دولتمردان انگلیسی به عنوان کلید طلایی فتوحات و دلالی قابل اعتماد وفادار به امپراتوری بریتانیا مطرح بودند.

استفاده از فرصت‌هایی که بحران‌ها، روابط و معادلات سیاسی ایجاد می‌کرد، در جنگ جهانی اول و دوم،<sup>۱</sup> کشمکش‌های استقلال طلبان و حاکمان انگلیسی هند، و همچنین تحرکات جامعه مسلمانان هند پس از استقلال، از بارزترین ویژگی‌های آفاخان‌ها در تقویت جایگاه اجتماعی - سیاسی و مذهبی بوده و در حقیقت با استفاده از این فرصت‌ها بود که توانستند مرکزیت دعوت خود را از روستایی در حوالی قم، به کرمان، یزد، بمبئی و لندن ارتقا داده و داعیه امامت و رهبری خود را جهانی سازند. همچنین با تأسیس مراکز و مؤسسات گوناگون اقتصادی، رسانه‌ای و علمی، جایگاه اجتماعی - سیاسی خود را از مرتبه‌ای که حتی قادر به حفاظت از املاک شخصی و حتی جان خود در آشوب‌های محلی و شهری نبودند، به مرتبه‌ای از کمال و بلوغ برسانند که علاوه بر انسجام و هویت بخشی به جوامع نزاری، در سرتاسر دنیا به عنوان یکی از نخبگان و مصلحان فرهنگ و تمدن اسلامی<sup>۲</sup> شناخته شده و در برخی مقاطع به عنوان نمایندگان جوامع اسلامی نقش آفرینی نمایند.

دیگر عاملی که نباید از آن غفلت نمود نیاز قدرت‌های فرامنطقه‌ای به گروهی متنفذ و قابل اعتماد بود که با استفاده از جایگاه فرهنگی و اجتماعی آن‌ها هم راه را برای سلطه و نفوذ بیشتر خود باز نموده و هم به عنوان کارگزار و دلالی مطمئن علاوه بر جلوگیری از هرگونه مقاومت و نهضت داخلی، از نفوذ قدرت‌های رقیب در حوزه سلطه خود جلوگیری کنند. برای مثال، حاکمان بریتانیایی هند، هم در سرکوب مقاومت‌های مردمی و هم در مقابله با دولتمردان روس در مزهای شمال غربی هند، از نفوذ و اعتبار آفاخان‌ها استفاده نمودند، و هم به اعتقاد برخی برای نفوذ در مستعمرات فرانسه در خاورمیانه و شمال افریقا رهبران این فرقه توانستند رضایت دولتمردان انگلیسی را جلب نمایند.

۱. مصطفی غالب، اعلام‌الاسماعیلیه، ص ۴۷۳-۴۷۱.

۲. همان، ص ۲۱۹، ۲۰۹ و ۴۷۰.

## فهرست منابع

۱. الگار، حامد، شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله دیگر، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توسع، ۱۳۷۰.
۲. بخش تاریخ، «آقاخان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۳. بوس، ماهر، آقاخان‌ها، ترجمه محمد هاتف، تهران، کتابسرای، ۱۳۷۶.
۴. بهمن‌پور، محمدسعید، اسماعیلیه از گذشته تا حال، تهران، فرهنگ مکتب، ۱۳۸۶.
۵. پیرزاده نائینی، حاجی محمدعلی، سفرنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۶. تارم، میثم، تاریخ و عقاید اسماعیلیه آقاخانیه، کرمان، کرمان‌شناسی، ۱۳۸۱.
۷. حسینی، محمدحسن، عبرت افزا، تهران، چاپخانه چهر، ۱۳۲۵.
۸. خورموجی، محمدجعفر، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچم، [بی‌جا، بی‌نا]، ۱۳۶۳.
۹. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریده بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۵.
۱۰. —————، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فروزان روز، ۱۳۷۸.
۱۱. شیرازی، نایب الصدر، سفرنامه نایب الصدر شیرازی در زیارت مکه و سیاست ایران و هند، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۲.
۱۲. ظل‌السلطان، مسعود میرزا، تاریخ مسعودی، تهران، انتشارات تاریخ و فرهنگ ایران زمین، ۱۳۶۲.

۱۳. عضدالدوله، میرزا احمد خان، *تاریخ عضلی*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶.
۱۴. غالب، مصطفی، *اعلام الاسماعلییه*، بیروت، دارالیقظه العربیه، ۱۹۶۴م.
۱۵. —————، *تاریخ الدعوة الاسلامیه*، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۵م.
۱۶. فرقانی، محمد فاروق، *تاریخ اسماععیلیان قهستان*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۷. فرمانیان، مهدی، *درستنامه تاریخ و عقاید اسماععیلیه*، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۶.
۱۸. فقیدی نیشابوری، محمد کریم، *تاریخ و عقاید فرقه آفاخانیه*، تلخیص و تنظیم حسین حسنی بیرجندی، قم، حسنی بیرجندی، ۱۳۷۷.
۱۹. گروه مذاهب اسلامی، *اسماععیلیه*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۲۰. لسان الملک، محمد تقی، *ناسخ التواریخ*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۲۱. لوئیس، برنارد، *تاریخ اسماععیلیان*، ترجمه فریدون بدراهای، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۲.
۲۲. لوئیس، برنارد و دیگران، *اسماععیلیان در تاریخ*، ترجمه یعقوب آژنگ، تهران، مولا، ۱۳۶۳.
۲۳. محسن ساعی، *آفاخان محلاتی و فرقه اسماععیلیه*، تهران، ۱۳۲۹.
۲۴. مشکور، محمد جواد، *فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستانه قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۵. میرخواند، میر محمد بن سید برهان الدین خواند شاه، *تاریخ روضة الصفاء*، قم، چاپ حکمت، ۱۳۳۹.
۲۶. هالیستر، جان نورمن، *تشیع در هند*، ترجمه آذر میدخت و مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

27 . [www.iis.ac.uk](http://www.iis.ac.uk).

28 . [www.imamjavad.net](http://www.imamjavad.net).

29 . [www.sharifnews.com](http://www.sharifnews.com).